۱۱۲۲۴
۸۹۳۲۲

تاریخچه نادرشاه

تألیف

و. مینورسکی

(پاریس ۱۹۳۴)

ترجمه

رشید یاسمی

استاد تاریخ در دانشگاه طهران

از نشریات کمیسیون معارف

آبان ۱۳۱۲

مطبعه ...

... ت ایران ... فزوده ...
... یخ و جغرافیا ایران گشته
... و در دانشگاه ... لندن ...

... ادره از
... یخ در اداره ... معارف ...
... اینک صورت اصلی از ایران ...
... ان در باب ... اطلاع ...
... مذکور است ... از آن ...
... ت نادر را با نقادی با
... یام دانشمند و ... دقت ...
... ی تاریخ لازم ...
... ت از کتب مربوطه بتاریخ

نادری خاصه منابع اروپائی و گاهی دارای ترتیب دلخواه شایان تجربه است
چون برای خوانندگان فارسی بعضی توضیحات لازم بود گاهی عبارتها و کلمه
محض تبیین و ترجیح بر اصل افزوده و ... در بر ... سابقاً
برای اسکنه ... مؤلفین دیگر در ... آورده شده در ترجمه بخطهای
مشکوک و شبهه نمود آن ... را عیناً در صورت اصلی ملحق نمود.

طهران ۲۰ آبان ۱۳۱۲

رشید یاسمی

تصویر نادرشاه
نقل شود

این تصویر از نسخه فرانسه شماره (۲۴۲۱۹) کتابخانه ملی پاریس برداشته شد

[illegible]

مقدمه

دانشمند محقق آقای ولادیمیر مینورسکی که سال‌ها در طهران ساکن و در ادبیات ایران مستغرق بوده‌اند سال‌ها چند است که در اروپا در دانشگاه لندن مشغول تحقیقات عمیقه در باب تاریخ و جغرافیای ایران گشته در دائرة المعارف اسلامی مقالات بسیار منتشر کرده‌اند و در این اواخر دانشگاه لندن ایشان را به سمت معلمی ادبیات فارسی برگزیده است

یکی از مؤلفات ایشان تاریخچه نادرشاه است که قبلاً برای درج در دائرة المعارف سابق الذکر تهیه کرده و به سبب تفصیل فقط ملخص آن را درج کرده‌اند — اینک صورت اصلی آن را به زبان فرانسه در سلسله انتشارات انجمن تحقیقات آثار و صنایع ایران در پاریس به طبع رسانیده‌اند — اگرچه اکثر منابع این کتاب در تواریخ موجوده فارسی مذکور است ولی از آنجا که مؤلف محترم در تنقیح مطالب و تصحیح وقایع برخی از اشتباهات کتب فارسی را با مقابله با سفرنامه‌ها و تواریخ اصلاح کرده و مخصوصاً در تطبیق ایام و شهور و سنین دقت کامل مبذول داشته است لذا اینجانب ترجمه آن را برای استفاده محصلین تاریخ لازم دید

علاوه بر یادداشت‌های مفیده‌ای [illegible] که مؤلف از کتب مربوطه به تاریخ نادری خاصه منابع روسی ذکر کرده و در ترتیب دلچسب آن شایان تحسین است

چون برای خوانندگان فارسی بعضی توضیحات لازم بود بعضی گاهی عبارتی یا کلمه‌ای محض تبیین و توضیح بر اصل افزوده‌ام [illegible] و هر جا که سابق بیان [illegible] برای اینکه از کتب مؤلفین دیگر در فهرست آورده شده در ترجمه بی‌خطای [illegible] مشکوک و مشتبه نبود آن فقرات را عیناً در صورت اصلی نقل نمود.

طهران ۲۰ آبان ۱۳۱۳

۵۷/۱۳ —— رشید یاسمی

تصویر نادرشاه نقل شود

این تصویر از نسخه فرانسه شماره (۲۴۲۱۹) کتابخانه [illegible] برداشته شد

دیباچه مؤلف

این کتاب به صورت نخستین یک مقاله است که برای دیباچه دائرة المعارف اسلامی نوشته بودم
اقرار میکنم که خیلی بیش از حدی که برای ترجمه احوال نادرشاه در آن کتاب بزرگ پیش‌بینی
شده بود و ازاینرو در ملاحظه بتلخیص آن پرداخته و قریب یک ثلث مندرجات
آن را در دائرة المعارف منتشر کردم تلخیص مذکور موجب حذف مطالب بسیاری شد
که برای تهیه آن زحمت بسیار کشیده بودم ~~و مقتضی است از مطالب بسیاری [illegible]~~.
برای انجمن تحقیقات آثار صنایع ایران اظهار تشکر میکنم که تمام مقاله را در صورت
اصلی و تفصیلی که از زیر قلم من خارج شده است جزو سلسله انتشارات خود قرار داده‌اند.
با وجود اینکه تفصیلاتی در این کتاب وارد شده است باز هم بعضی از خوانندگان اثر
اجمال و ایجاز نخستین را در آن دیده و آنرا قدری خشک خواهند یافت. باید
اعتراف کرد که اطلاعات ما از تاریخ ایران هنوز بسیار ناقص است سلطنت نادرشاه
تا کنون شده است کاملا بر پایه مآخذهای موجود. اکثر نویسندگان وقایع را آنچنانکه
خیال کرده، سنوات و اسامی را از غبار اشتباه خارج نکرده‌اند. در
مورد تاریخ نادرشاه مخصوصا بهترین منابع تا کنون ترجمه تاریخ نادری [illegible]
که در سال ۱۷۷۰ ترجمه شده و امروز بکلی از اعتبار افتاده است (رجوع شود
بفهرست کتب) ازاینرو ملاحظه در هر باب باصل منابع رجوع کرده
و پایه تحقیقات آتیه را استوار کرده است.
بنیان تحقیق را بر اصل تاریخ نادری قرار داده، و از مآخذ
فرعی دیگر مطالب را کامل کرده‌ام. تاسف است که تاریخ [illegible] را
در دست نداشته‌ام (رجوع شود بصفحه ....) نسبت بنتایج وقایع
آن زمان و تاثیرات عمومی آنها هم بکمال احتیاط پیش رفته‌ام
در پایان این مختصر فهرستی از کتب مربوط بتاریخ نادر را
که تا حدی کامل و حاوی تجارب شخصی نگارنده است درج کرده‌ام
که مفید برای اشخاصی که دور از کتابخانه‌های بزرگ [illegible] بقیه در آخر [illegible]

این مختصر فقط نزد دو سه نفر از دوستان است و ... رساله دیگری که اکنون در دست طبع زیر چاپ
در دست تهیه است و این جانب با کمال سرور مراقب پیشرفت الامانم ... را انوش که نه
که بیش از پنج و ده سال سرگذشت آن جانشینی بزرگ المانی
شاید برای بعضی اشخاص طرز تلفظ اسماء اعلام ترکی با حروف لاتینی گرفتار
تا اندازه تازگی داشته باشد من در نوشتن این اسامی سعی کرده‌ام که ... ترتیب ...
از جمله برای شاید بعضی از آنها در تلفظ هم قدری تازگی داشته باشد ولی در تلفظ
اعلام سایر ملل اسلامی قدری احتیاط کرده‌ام شد کلمه محمد را در فارسی باین صورت
و در ترکی محمد ... و سکون هاء و کسر میم ثانی نوشته‌ام. ... مشدد طور ...
• اعلام ترکی بخط ... برای خوانندگان این کتاب چندان هم تازگی ندارد

پاریس ۱۲ اکتبر ۱۹۲۴

تاریخچهٔ نادرشاه.

نادر شب شنبه ۲۸ محرم ۱۱۰۰ (۲۲ نوامبر ۱۶۸۸) تولد و در ۲۴ شوال
۱۱۴۸ (۹ مارس ۱۷۳۶) جلوس بر سریر پادشاهی و در شب یازدهم جمادی الثانیه
۱۱۶۰ (۲۰ ژوئن ۱۷۴۷) مقتول شد.

دودمان او

بنا بر قول رشید الدین (۱) طایفه افشار یکی از ~~[illegible]~~ (۲۴ اوغوز)
اوزبک محوانش « ~~[illegible]~~ » و جد ایشان اغوز خان بوده است. مورخ نادر
افشار ترکمان خوانده معروف است که از بیم مغول طایفه افشار ترکستان را ترک کرده
و در اذربایجان استقرار یافته از شاه اسمعیل بعضی از ایشان قرا ابجز انبان را شاملو کوچانیده و در
سرچشمه میاب کوبکان از مضافات ابیورد ساکن کرد. قشلاق ایشان در دره گز
و درگز بود. نادر ~~[illegible]~~ از شعبه قرقلو انشعاب افشار که حقیقی است زبان مادری نادر جغتای
ترکی بود و با این زبان با پادشاه هند و جانشین او استاد مکالمه میکرد.
نادر در درگز تولد یافت و بعد در آنجا بنائی بنام مولودگاه ساخته شد (۲)
خانواده نادر جاه فقیر و گمنام بود و مورخ او درباره نسب او بهمین عبارت اکتفا کرده
که «گوهر شهوار را نازش به آب و رنگ ذاتی خود است نه بصلب معدن»
~~[illegible]~~ پدرش امامقلی نام داشت نادر در طفولیت بانتکه جدش نذر قلی نام یافت
~~[illegible]~~ (خادم نذر) و در زمان شاه طهماسب
دوم به طهماسب قلی شد. (۳) پس از آنکه باوج اقبال رسید نام خود را با قلی
تغییر گرفت و نادر (یعنی یکتا) نام یافت.

---

(۱) جامع التواریخ Trudi V.O.R.A. ~~[illegible]~~ ۱۸۶۱ جلد پنجم صفحه ۷

(۲) عکس کوبکان در تاریخ سایکس مندرج است جلد ۲ ص ۲۴۹

(۳) لیکن ام با طهماسب قلی جلایر اشتباه نشود رجوع شود بصفحه ...

نادر در ایام جوانی (۱) در منازعات بیشماری با ترکمانان و کردان چمشگزک جنوشها (جرچه‌ها) و از طیان و تاتار مرو و فشار به عقب‌نشینی کرد هر لادری و نیکادری سورحت [illegible] اصحاب او از افشار و کردان درگز و ابیورد بعدها یار خویش داشتند (صفویه ایشان را برای دفاع در آن نقطه گذاشته بودند) از طایفه جدید هم که به چهار هزار تن برگزیدگان طهماسب قلی بیگ با نادر همراهی میکردند موقع متین و سکان سنیغ قلعه کلات هم در دژ آنجا حصین حصینی نادر گاه به پیشرفت او شد.

جنگ با ملک محمود سیستانی

در حدود ۱۷۲۴ هنگام بروز هرج و مرج بعد از فتنه افغان رخ داد، شهر مشهد بتصرف ملک محمود آمده حکومت توان داشت و لقب خود را پادشاه کرد [illegible] صفا و بلکه شاهنشاهی کیانی پرستید. ملک محمود میان اقوام ترک و کرد طرفداری اندوخت و بکار کرد. طهماسب از آذربایجان به سوارو رفت و قلی خان را مأمور دفع ملک محمود گردانید [illegible] و نادر منازعه تازه شده بود. ابتدا نادر چندین بار تقرب با شاه نکرد و با ابیورد رفت. اما چون ملک محمود نیشابور را تصرف کرد نادر دوباره بجنگ او گرفت. در آن مصاف غلبه با محمود سیستانی بود و لقب سکه و ساختن تاج سلطنت پرداخت.

چون نادر [illegible] افشار ~~[illegible]~~ ساکن قلعه قوزخان یا (قرغان (۱) ؟) و تاتار اطراف مرو [illegible] دائماً بر قوای خود افزوده میشد زیرا کرد از هر فتحی [illegible] منصوب را در میان طوائف تا به حوزه جاری سیاد و کردان افغان در کنار خود داخل میکرد.

در این وقت شاه طهماسب از دست ترکان و افغانیان گریخته خود را

(۱) در بعضی نسخ [illegible] قورغان [illegible]

---

(۱) از دوره جوانی نادر روایاتی که کم و بیش دست خیال در آن کار کرده منقول است در کتب اوتر Otter و ژونس Hanway و ژان تیز Jemtil و غیره ولی خطایای بسیاری توان یافت. ظاهراً [illegible] مطالب [illegible] در جلد اول تاریخ محمد کاظم [illegible] مفقود است [illegible]

(۲) غیزانی یا قیزانی (به قول میرزا مهدی خان غلجائی (و غلجی)) در اصفهان بودند و [illegible] در ایران است.

بازوان رسانید و ملک محمود از بیم جان خود به یک [illegible] درآورد.
شاه طهماسب [illegible] از ارکان دربار بود را نزد نادر فرستاد [illegible]
درآورد در قتل فتحعلی خان قاجار سردار پادشاه. ظاهراً طهماسب آرزوی قتل او را
داشت بی تأثیر نبوده است. فتحعلی خان را بنا در تیم آورند در ۱۴ صفر ۱۱۳۹ (
۲ اکتبر ۱۷۲۶) در خیمه او (باشتباه وزیر) مقتول شد. از این تاریخ نادر کلیه امور
ملک در تحت [illegible] امور ملک خراسان را در دست گرفت.

نادر در ۲۱ محرم ۱۱۳۹ (۱۹ سپتامبر ۱۷۲۶) لشکر تجهیز شده را به او در
۶ ربیع الثانی (۲ دسامبر) شهر [illegible] بکلی تسخیر و ملک محمود از سلطنت
کناره گرفت. از این تاریخ نادر مقر خود را در مشهد قرار داد و کار خود را در این شهر
آورد و کلیه امور رعایا را ترتیب کرد

از آن جا که نادر [illegible] در [illegible] و [illegible] شاه [illegible] شاه طهماسب
[illegible] نامه‌ای بطوایف نوشته نادر را [illegible] متهم کرد. نادر شاه را
در حصار گرفت و به از [illegible] ۱۱۳۹ (مارس ۱۷۲۷) شاه تسلیم شد [illegible]
در [illegible] در میان بود نادر لازم دید که [illegible] دیگر دوستان را [illegible]
و بهانه همین [illegible] نادر [illegible] شد [illegible] را [illegible] که پس
ملک محمود و [illegible] از [illegible] [illegible] شد.

جنگ با ابدالی

در ذوالحجه ۱۱۳۹ (اوت ۱۷۲۷) [illegible] با افغانان ابدالی درگرفت
[illegible] ابدالی در جنگ [illegible] (سنگان به وادی خواف) [illegible] به [illegible]
[illegible] شد ولی [illegible] شاه. و نادر [illegible] [illegible] زیرا که شاه [illegible]
[illegible] را [illegible] بزرگ [illegible] [illegible] دشمنان [illegible] را از میان
[illegible] ابدالیان را [illegible]. شاه طهماسب [illegible]
[illegible] خود محمد [illegible] خان را [illegible] نیابت سلطنت عراق و آذربایجان داد
[illegible] به [illegible] نادر [illegible] شاه را [illegible] روانه کرد و [illegible] افغانها
هم [illegible] تعطیل [illegible] با ترکمانان [illegible] شمال خراسان هم [illegible] شد [illegible]

دو گچه نادر تا مجان داغ (نزدیک کراسنودسک) پیش راند. لکن روس‌ها از ایران خان در حدود درون (سوب عشق آباد) شکست یافت.

تقویت ایالت ساحلی بحر خزر

با وجود این همه فتوحات نادر روز بروز در ترقی بود. دولت روسیه با عنوان حکومت کریم خان سفیر ... و گرفتن بقیه اند پس از تخریب آن نواحی در ایالت طهران با افغان‌ها در گیلان با روس‌ها مواجه گردید. نادر سفیری نزد روس‌ها فرستاده تخلیه ایالت شمال را تقاضا کرد (۱) ... روس نظر بعضی ... و کثرت مخارج نگاهداری افواج در ولایات ایران از ۳۰ مارس ۱۷۲۵ تصمیم گرفته بود که تدریجاً قوای خود را از ایران خارج کند مشروط با آنکه عثمانیان آن ایالت را اشغال نکنند ... قشون خود را به آن نواحی بفرستند (۲)

سقوط الهیار خان در هرات

قبل از شروع به قدامات در سمت غرب باید از جانب شرق اطمینان حاصل شود. از قضا میان افغانهای هرات حدوث واقع شد. یک جماعت طرفدار الهیار خان و گروهی هواخواه ذوالفقار خان ... در ... شوال ۱۱۴۱ / ۳ مه ۱۷۲۹ نادر ... شاه طهماسب ... و با آنکه طوایف افغانی با هم صلح کردند نادر موفق شد در جانب هرات و فراه ... و بعد از ... افغانها را به اطاعت آورد و ... از روی کمال حسن تدبیر نادر الهیار خان را در هرات بحکومت باقی گذاشت. اما طوایف نادری ... در ... هرات ... ماه ... شنبه ... ۴ ذوالحجه / ۱ ژوئیه ۱۷۲۹.

(۱) نواحی بحر خزر ... گیلان ... ۱۷۲۲ ...

(۲) بوتکوف (جلد اول ص ۱۲۱) ... عده ... در مدت ۱۲ سال توقف در سواحل بحر خزر فوت شده‌اند تقریباً ۱۳۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ ... هزار نفر جزو افواج ... !

به پایتخت اصفهان وارد شده چون خراسان ... بود نادر ... بازگشت یاران ... برای حفظ (وطن خویش) فراهم آورد ... شاه ... نیز ... آن ... خراسان را ... کرده و کارها ... نادر ... ولی شاه ... خود را با تمامی ...

(۱) میرزا مهدی خان ... می‌نویسد

(۲) شاه ... ۸ جمادی الاول (۲۹ نوامبر ۱۷۲۹) وارد اصفهان شد.

عاقبت کار طوایف غلزائی

اشرف غلزائی چون نادر را در نواحی شرق مشغول دید بجزایر لشکر کشید (۱۴ محرم ۱۱۴۲ (۸ اوت ۱۷۲۹) و سمنان را محاصره کرد و پیش قراول سپاه او بسرحد سیدال جیحان رسید. نادر سیدال را ... کرد در ۶ ربیع الاول (۲۹ سپتامبر ۱۷۲۹) جنگ قطعی در کنار رودخانه مهماندوست واقع شد (۱). توپخانه ای
نادر در مزرعه جنبش سپاهیان غلزائی را در هم کرد پس از این جنگ کار افغانها بالقوه ختم شده بود. نادر چون ... خراب توجه خاص داشت از تعاقب هزیمتیان خودداری داشت ولی تدبیری کرد که از سمت قزوین ... افغانها مورد تعقیب واقع شوند. در همین وقت نادر عثمانیان را بترک آذربایجان دعوت کرد. نادر رفتاری آمرانه پیش گرفته بود. اعمال خودسرانه که داشت ... ار و شاه طهماسب باز هم بحیث ... پیدا شد.

جنگ دوم با لشکر افغان که ... طهران ریاست آن را داشت در سردره خوار واقع گشت (Πυλαι Κάσπια) پیلای کاسپیای
افاغنه طهران را رها کرده باصفهان پناه بردند و سه هزار تن از شاه ایران ... تا شهر ... نادر از پی فرار رسیده و در ۲۰ ربیع الثانی (۱۲ نوامبر ۱۷۲۹) در مورچه خورت افغانها را مغلوب کرد و سه روز بعد بپایتخت اصفهان وارد شد چون خراسان منقلب شده بود نادر نقشه بازگشت ... برای حفظ (وطن ... خویش) فراهم آورد دربار شاه نیز برای ... خراسانیان را ... کرده و کار را بغیر آنان برد. آنها شاه ... منبع خود را با تمامی ... داشت

---

(۱) میرزا مهدی خان ... نوشته

(۲) شاه در ۸ جمادی الاول (۲۹ نوامبر ۱۷۲۹) وارد اصفهان شد.

در جمادی الثانیه (اواخر دسامبر ۱۷۲۹) نادر اشرف را [illegible] با
مغلوب کرد. این جنگ نزدیک ۵ فرسخی شیراز بود. باز اشرف پا گریخته و پنهان گشت
و در اواخر الامر [بلوچها که در صدد رسیدن به بلوچستان بودند] نزدیکی قندهار اورا سر را از تن جدا کردند. نادر [illegible]
که بدست بلوچها افتاده در شرح [illegible] سر او را بپادشاه. [illegible] [باری] گفته و از دین بخواهر
در فرارهای دنبال را [illegible] در وقتی که قشون ایران بیاب
قندهار در حوالی رفت بلکه [illegible] راه [illegible] این نخستین علامت توجه نادر
بتصرف نواحی جنوب شرقی بود!

نادر در [نواحی] شمال غرب ایران

از شیراز نادر راه کهگیلویه را پیش گرفت در نوروز ۱۱۴۲ (۱۷۳۰) به بهبهانِ
رسید و از طریق شوشتر دزفول و خرم آباد وارد بروجرد شد. شاه [illegible]
[illegible] از پیشرفت نادر کرمانشاه [illegible] داشت. تا چه رسد به همدان و لرستان
فرمان (از قندهار تا [illegible] پول کرمان [که از آن الله] عراق است) با نقل از ان در
وزیر و کسان دست در [illegible] بنادر فرستاد. [illegible] از خواهران خود
مرسوم به رضیه خانم [illegible] را [illegible] به ازدواج نادر و خواهر دیگرش فاطمه
سلطان بیگم را به برادرش تیم میرزا داد.

(در حاشیه: فرمان در مجمع مورخ ترجم)

عثمانیان خاک ایران را ترک می‌گویند

چون عثمانیان جواب سفیر ایران نداده بودند نادر نهاوند را تصرف و ترکان را
در ملایر مغلوب کرد. عبدالرحمن پاشا مشغله همدان را ترک کرد و به سنندج
رفت [illegible] چیزی نگذشت [illegible] شاه هم بدست نادر افتاد.

نادر پس از تنبیه بختیاریها و در جزیره‌ها و ترکمانان [illegible] کردان [illegible]

---

(۱) [illegible] علی حزین ص ۱۸۹ (تاریخ محمدعلی حزین ترجم)
(۲) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خانم که مادر خواهر جدا [illegible] بنابر قول
بوسکف (جلد اول ص ۱۱۴) دختر [illegible] [illegible] [illegible] بانو دلبرش
قبیله زن دودام Dawdam شاهزاده‌ای بوده دارا و پسر [illegible] [illegible] است
(۳) سنی‌های متعصب افاغنه. در جزیره در شرق همدان است

در اول محرم ۱۱۴۳ (۱۷ ژوئیه ۱۷۳۰) شاه طهماسب بجانب آذربایجان تاخت در
جنگ با [illegible] بصورت اصل طائفه و [illegible] و ۳ هزار نفر از قزلقوزلو و
از آنجا بجانب [illegible] کوچ داد عثمانیان از همه جا ~~[illegible]~~ عقب‌نشینی نمودند در ۲۷ محرم (۱۲ اوت ~~[illegible]~~)
بتبریز وارد شد و عازم بود که بنخجوان و ایروان لشکرکشی کند در اول صفر
(۱۳ اوت ~~[illegible]~~) اخبار ناگوار از مشهد بدو رسید ~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ و آن خبر هجوم ابدالیان بشهر مشهد بود نقشه نادر بکلی مبدل گشت
ولی مصادف بود با حوادثی که در ~~[illegible]~~ اسلامبول رخ داده و منجر بعزل سلطان احمد ثالث شد (؟)

شورش ابدالیها

ذوالفقار خان حاکم هرات و اللهیارخان ابدالی که نادر او را از هرات رانده
و تا مدتی در شهر مشهد ~~[illegible]~~ بجز آنکه در آن جا ~~[illegible]~~ ابراهیم خان برادر نادر سردار
۱۴ محرم ۱۱۴۳ (۲۹ ژوئیه ۱۷۳۰) شکست داده بود. نادر بمحض
اینکه زمام امور را در تبریز گذاشته شتابان بجانب مشهد رهسپار گشت اما پیش از
ابدالیها بولایت خود بازگشته بودند. نادر بسرعت شمال توجه کرده و بتنبیه
طوایف ترکمان [illegible] که از ترس آنکه پس از نهضت او جنگ‌آورانش
بجانب خیوه گریخته. در اواخر ربیع الثانی (۵ نوامبر ۱۷۳۰) نادر در مشهد
بازدید طوایفی که [illegible] از ولایت ایران کوچ داده بود پرداخت مجموع آنها
به ۵۵۰۰۰ خانوار بالغ میشد! مرکز ثقل اردوی نظامی و لشکر او بجانب شمال
شرقی تغییر می‌یافت.
نادر با عده قلیلی بسرعت [illegible] تا سرحد ولایت [illegible] را از نو برقرار کرد.
دیگر جنگ ابدالیها برد [illegible] غیر از قندهاری هم بانها یاری میرساند

~~[illegible]~~ [illegible] یکی از علل شورش ناخشنودی ینگیچریها از تغییر سیاست عثمانی بود!
زیرا که ینگیچریها در آذربایجان اعتبار کرده بودند و بالاتر اینها از ترک جنگ رنجیده بودند
بک به میرزا [illegible] خان که در سنوات قبل داشت، کرده است. رجوع شود به کتاب

هامر Hammer جلد ۱۴ صفحه ۹۵

نادر در ۸ شوال (۱۲ آوریل ۱۷۳۱) به فرسخی هرات رسید جنگ‌های پیاپی واقع شد
بعضی از افواج نادر شکست یافته متواری شده و در سپتامبر ۱۷۳۱ کلاتیه ازکب کرد و بعضی
بجانب هلمند رانده در (کرگینگ روبت) با قندهاریان مصاف داد و افغانها
افغانیان هرات ذوالفقار خان را معزول و اللهیار خان را دعوت بحکومت
کردند اللهیار خان روز ۱۸ صفر ۱۱۴۴ (۲۲ اوت ۱۷۳۱) از اردوی
نادر خارج شد بهرات رفت ولی چون بمقر خود رسید او نیز سر شورش برداشت
و بعزم جنگ با نادر گرفت. نگرانی در هنگام کارزار دلگرم خان
(۲۱ ربیع الثانی ۲۴ اکتبر ۱۷۳۱) فاتح شد ولی افاغنه بیاری طوایف
ابدالی از اره اورا تسخیر کردند عاقبت هرات در اول رمضان (۲۷ فوریه ۱۷۳۲)
تسلیم شد اللهیار خان بملتان پناه برد و طوایف ابدالی بعد از قتل و نهب
جبرا در نواحی سمنان و ابیورد توزیع گشتند. بعد ابراهیم خان را به نادر
با وجود دسایس همین قندهاری فراه را بدست آورد نادر در ۱۱ رمضان
(۱۷ مارس ۱۷۳۲) بمشهد برگشت و بدست سخره حقد روانش.

ناکامی شاه طهماسب ثانی

نادر را ملکی جهانگشا است وا داد بلد و از دیانان را

با برقول میرزا مهدی خان شاه طهماسب بی گفت
شاه درین بار شاه اورا وا میداشته
در زمان اشتغال نادر در خراسان از خود لیاقتی بروز بدهد
در جمادی الثانیه ۱۱۴۳ (اوت دسامبر ۱۷۳۰) شاه از اصفهان حرکت
عازم مقابله عثمانیان شد از طریق همدان تبریز رفت، حاکم را
عزل کرده بعد معزول کرد؛ با ۱۸۰۰۰ پیاده بتسخیر ایروان شتافت
لکن بعد ۱۸ روز محاصره چون آذوقه اردوی او تمام شد از در واری گذشته
حوزه السلطنه رسانیده ورود افواج فارسی شاه طهماسب را شکست حمله
کرد در حوالی قوریجان (۱) در ۵ فرسنگی شمال شرقی همدان تقویه
عثمانیها در سرداری آن؛ احمد پاشا پسر بغدادی بود رخ داد (۱)

(۱) میرزا مهدی خان ... شرح

(۱) میرزا مهدی خان قریه کردمان ... شرح

(۱) از تاریخ هامر Hammer منقول از جهانگشا. تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۷۳۱

سپس قزلباش چهار پنج هزار تلفات داده و توپهای خود را بجا گذاشته و شاه
با عده‌ای پناه برد. احمد پاشا تا ابهر (مشرق سلطانیه) را متصرف کرد.
مقارن این احوال سردار دیگر ترک عبدالله پاشا (حکیم اوغلو) از ارزروم حرکت
کرده تبریز و مراغه را فروگرفت. فقط قلعه دم دم در جنوب ارومیه Lambton P10
در مقابل حملهٔ ترکها ایستادگی کرد و اهل آن دلیرانه مقاومت کردند.
ترکها در بازگشت نادر می‌ترسیدند و بشتاب تمام تقاضای [crossed out]
صلح را در بغداد مطرح ساختند (کردند). بنابراین قرارداد اراضی جنوب ارس
بایران برگردانیده شد و نواحی شمالی رود ارس بترکها تعلق می‌یافت [illegible]
[crossed out] اردبیل (آذربایجان) [crossed out] بالاخره نیمی از ایالات آذربایجان
واگذار میشد.
از ۲۱ ژانویه تا اول فوریه ۱۷۳۲ نامه‌ها ردوبدل شد. در رشتهٔ عهدنامهٔ سرحدی
ایرانی [crossed out] بستند بموجب آن اراضی جنوب سالیان (ساحل رود کور)
بایستی تخلیه شود لکن پس دادن باکو و دربند موکول باین شد که ایرانیان
ایروان و ماوراء قفقازیه را از ترکها بگیرند. کوشش عمدهٔ روسها از این
بود که با عثمانیان دستی بدو راهی بیفروز پیدا کنند.

خلع شاه طهماسب ثانی

[crossed out] مقارن فتح هرات نسخهٔ عهدنامهٔ ایران و عثمانی بدست نادر رسید داد
نهایت تنفر خود را از قراردادی که بی‌ارزش منعقد شده بود اظهار کرد (اگر)
و ایلچی‌ها باسلامبول و بغداد فرستاده تمام خاکهای را که صفویه در تصرف داشتند
خواستار شد و [crossed out] جمعی از وزراء و [crossed out]
[illegible] شکست افغانها را بچشم شاه طهماسب کشید و از انعقاد عهدنامه‌ای
زننده که سرنوشت اسرای ایران را در خاک عثمانی مسکوت گذاشته بود
ابراز ناخشنودی کند.

---

(۱) هانوی صفحه ۶۶ دوم ژانویه ۱۷۳۲
(۲) خالی از غرابت نیست که عثمانیان هم از این عهدنامه که تبریز را بایران واگذار میکرد ناخوشنود
بوده و [illegible] را خلع کردند (۱۲ مارس ۱۷۳۲) سرانجام عهدنامه شاه طهماسب هم
عثمانیان موقتاً خالی از فایده بود [crossed out] و قرارداد باروس هم [illegible]
محسوب میشد [illegible] بود.

بعد از تنظیم امور ولایت جدید، نادر بمشهد وارد شد ۱۵ شوال (۲ آوریل ۱۷۳۲)
چون شکست شاه در برابر ایجاد نفرت های خلاف وفادار کرده بود نادر توقع را
نقض کرد. در اثر ولایات حق آذربایجان حکام نصب کرد تجهیزات جنگ جدید
جمع بوقت فراهم آمد افغانها تا نیلطیع و ترکمانان یاغی را مجبور بآرامش قبول
شدند نادر حکومت هرات را برادر خان کرده روز ۷ محرم ۱۱۴۴ (۳۰ ژوئن
۱۷۳۲) از مشهد بیرون آمد در عوض راه حمله بر ترکمانان یموت آورد تا شهید
(ورگان، اترک) و تا بلخان پیشرفت آن ترا که بنابر علامت خودرا بنواحی شمال
گیشی بودند. نادر چون در ۲۴ محرم ۱۱۴۵ (۱۵ ژوئیه ۱۷۳۲) بگرگان رسید
شنید که روسها گیلان را ترک گفته اند. نادر شاه طهماسب دیگر
دلیر بود در ورقه تهران نیکره اورا به پیوندد آنا او تسلیم کرد و با اعلان شاه
والاحضرت ادوی مشغول نقاولدت جدید شد ولی ارباب بر ~~[illegible]~~ تاریخ امر نادر را
مجبور کرده باصفهان رود.

شاه بدیدن نادر آمد و در خیمه او بعیش و سرور مشغول شد نادر اورا
اطمینان داد که پس از ختم کار به ترک بخراسان باز خواهد گشت شاه عنوان
اعتمادی براین قول کرد و بدین حد نبود او اگر بامداد نادر ~~[illegible]~~ کرد
ددر باب مصالح دولت گفتگو کرد امراء اورا ~~[illegible]~~ دستگیر کردند در گرفتند
زنان و عمال تاثیر اورا نیکی نظر نادر [illegible] پسر طهماسب را بنام عباس ثالث
سلطنت نشاند و در ۱۷ ربیع الاول ۱۱۴۵ (۷ سپتامبر ۱۷۳۲)
طهماسب را بمشهد فرستاد و سه روز بعد رسماً پادشاهی عباس ثالث را
اعلام و آن طفل را بقزوین روانه کرد.

محاربه با عثمانیان

نادر بعد از تنبیه بختیاری ها که بهفت لنگ و طایفه زند در ۹ جمادی الثانیه
(۲۷ نوامبر) وارد کرمانشاه شد و در ۲۲ جمادی الثانیه ۱۱۴۵ (۱۰ دسامبر)
~~[illegible]~~

از راه ماهیدشت و کرند و کرد گاوروان (گهواره ؟)[1] با حمله پاشا به حدود حمله برد و قلعه محکم زرداو [illegible] را به تسخیر آورد. مقارن این حال لطفعلی بیگ نایب الحکومه آذربایجان شهر دیگری از جانب قراچولان (شهرزور ناحیه سلیمانیه) بدست نادر آورد.

نادر در اول رجب (۱۸ دسامبر ۱۷۳۲) بکرکوک رسید [illegible] احمد پاشا نیز از بغداد خارج خواهد شد اما مجبور شد که بطرف جنوب دوباره دیالی از راه دشت کوریا (تاش کوپرو) و قراتپه تا ینگیجه عقب‌نشینی کند. در اول شوال (۱۷ ژانویه ۱۷۳۳) جبهه‌های مقابل کاظمین را فروگیرد[2]. یک نوع جسر دیگر از چوب جهت عبور ساخت و نادر از دجله گذشت [illegible] بغداد را [illegible] آورد و تمام بغداد را در حصار گرفت. در همین وقت ناحیه عبدالله [illegible] و [illegible] عربستان دیگر بنادر فتح کرده شده

احمد پاشا برای دفع الوقت وعده داد که شهر بغداد را به او تسلیم کند [illegible] موقع لشکر توپال عثمان از راه کرکوک پیش آمد. نادر [illegible] هزار نفر محافظت بغداد گذاشت و در ۹ صفر ۱۱۴۶ (۱۹ ژوئیه ۱۷۳۳) بقیه سپاه خود را بمقابله توپال عثمان برد (سمت سامرا) در کنار دجله نادر مغلوب شد و از طرف بهرز (بهدروز ؟) و سنه‌لجین (سنه‌لی)[1] عقب نشست.

نادر در ۲۲ صفر (۲ اوت) وارد همدان شد و لیاقت و مهارت فوق العاده در تنظیم امور و ترتیب قوای خود ظاهر ساخت [illegible] ابزار توپ [illegible] داد تا خسارات سنگین را تدارک کند. سپاه جدید از خراسان خواسته و والیان ایران را [illegible] و از انتقام [illegible] جلوگیری کند. در ظرف ۶۰ روز سپاه نادر مهیای کارزار شد و در ۲۲ ربیع الثانی (۲ اکتبر) مجدداً نادر راه کرمانشاه و زهاب را پیش گرفت. طلیعه عثمانیان محل خود را در [illegible] گذرگاه دیالی خالی کرده. در این نقطه خبر [illegible] اثر شورش محمدخان بلوچ[3]

(۱) گهواره صحیح نیست زیرا که این شهر در [illegible] شرقی کرند واقع است و بنا بر قول [illegible] که (گاوروان) درست [illegible] جنوب راه کرند واقع [illegible] مترجم

(۲) مقصود [illegible] مترجم

(۱) حاکم کهگیلویه (مترجم)

(۳) [illegible] مترجم

---

(۱) از خاندان مشعشع حویزه

(۲) بنا بر روایت دکتر ژ. نیکودم Nicodème طبیب توپال عثمان [illegible] در ۱۹ ژوئیه در طارمیه (؟) واقع شد [illegible] بنقل قول [illegible] کتاب هامر صفحه ۶۰۰-۱۰

رسید و لیکن نادر مغلوب شد و در ۷ جمادی الاولی (۲۰ اکتبر) به کیلان شتافت و در
۳ فرسنگی کرکوک واقع است و بسیار جمله بر دولت سکه عثمانیان در عملداری شد
وی ترکمان در کرکوک سقای استوار داشتند جز تسخیر سورداش نزدیک سلیمانیه اکتفا
کرد و بعد آذوقه کند عثمانی بود. و بتوان ذخیره در طاق سلطان (۱)
نزدیک کرمانشاه. بعد توپ فرمان داد و بعد. رفته محمد... شهرزور سو (۲)
بات جابجا کند ... باعث سواد آماده باش. نادر در اواخر
خبر یافت که ... ۱۹۰۰۰ ... تحت آق دربند را در بغداد
فرسخی سورداش گرفته است. نادر عقب ... در اول جمادی الاخره (۹ نوامبر) از
... بازنیز (بازیان ؟) باد حمله ور شد در هجوم ... عثمانیان به شکست
وارد ... ابدالیان ... بزرگ ... دادند ...
عثمانیان را از تنگه ... آوردند و فتح نادر قطعی شد (۳) ...
فرستاد و ... تا از ... آذربایجان حرکت کرد ...
به ... تبریز را رها کرده ... رفته است. نادر ...
آن را از طریق ... کرمانشاه ... در ۲۳ جمادی الاخره
(۲۶ نوامبر) بار دیگر به پیرامون حصار بغداد رسید. احمد پاشا اعلام کرد
... ایران و عثمانی را
... و کار حیله و بازیگری را ...
... اتفاقات حفظ
... ولی ... از بغداد بیرون ... کرد ...
... ! نادر فقط موفق شد که تا
... اصرار ... از جانب
... .

(۱) ...: طاق ... امروز طاق ... گویند
(۲) ناحیه ...
(۳) تاریخ ... در کتاب ... صفحه ۹۵

طغیان محمود بلوچ (۱)

(جهانگشا ص [illegible] ترجم)

این شخص از جوجه های اردوی محمود غلزائی بود و بعد برادری کرد شاه طهماسب ثانی نیز او را
و از جانب نادر حاکم ده کوهگیلویه [illegible] (در جنوب خاک بختیاری) منصوب شد
در این اوقات تمام نواحی جنوب ایران از فارس و خوزستان و طوایف ساحلی خلیج فارس را
بشورش وا داشت

نادر بعد از زیارت عتبات عالیات در ۱۵ رجب (۲۲ دسامبر ۱۷۳۳)
از بغداد حرکت کرد و از طریق بلغار (؟) (ایک یه) (۱) و بیات و بیان و شوشتر
و بهبهان و خیرآباد و دوگنبدان عزیمت کرد محمود در گردنه شولستان جلو گرفت
و بعد از جنگی مختصر بگرمسیرات فارس عقب نشست اولاد [illegible] رئیس قبیله عرب
جزیره قیس گرفتار و در ۱۱۴۷ از چشم محروم و در اصفهان سیاست شد
روز دوشنبه (۱ فوریه ۱۷۳۴) نادر شیراز را وارد شد و نوروز را در آن شهر
گذرانید ۱۱۴۶ (۱۷۳۴)
چون خبر تصویب تعهدات احمد پاشا از طرف عثمانی رسید نادر روز ۱۴ ذیقعده
ذیقعده (۱۸ آوریل ۱۷۳۴) بسمت شمال حرکت کرد در راه خبر رسید که خود شاه را فرزند
رضاقلی میرزا و [illegible] شاه طهماسب را به سبزوار [illegible] و چون این طغیان را رجب انتقال شد
سلطنت از خاندان صفوی به دودمان افشار سپرده شد.

(۱) در روضة الصفا باجناق / در جهانگشا باجناق / ضبط است ترجم

فتوحات نادر در ماوراء قفقاز

در ۲۵ ذوالقعده (۲۹ آوریل ۱۷۳۴) نادر وارد اصفهان شد عبدالکریم افندی
خبر آورد که دولت عثمانی عبدالله پاشا کوپرولوزاده را ایلچی مختار قرار داده است نادر به [illegible]
فرستاد که باز دادن ایالات قفقازیه شرط حتمی معاهدات [illegible] خواهد بود [illegible]
اوایل پرنس س. د. گولیتسین Golitsine نماینده روس هم وارد اصفهان
شد و نادر او را بوسیله در موکب خود میبرد (۱) در ۸ محرم ۱۱۴۷ (۱۴ ژوئن
۱۷۳۴) نادر از اصفهان حرکت کرد و از راه [illegible] همدان (۱۴ صفر/۱۵ ژوئیه) و سنندج

(۱) او را در ۳۰ یا ۳۱ مه ۱۷۳۴ بحضور پذیرفت رجوع شود بتفصیل آن در لکهارت

وصایی قلعه دربند بدروبین رسید ۱۹ ربیع الاول (۱۹ اوت) در طول طرق

ایالت را آرام و مطیع کرد و در بعض نقاط ساحلی و دخیره قرارداده (باطلاع)

صاحب بادولت تزار

علاوه بر پیشرفت در جوزت کرد و حین سلطه دربایست قفقاز را بدولت به رکول کنند

ولی چون نادر تغییری در اوضاع قفقاز مشاهده نکرد و بدون وقت وقت تخت برفای

رئیس طوایف داغستان در غازی قموق حمله برد لیزگیان سابقاً بر شروان

دست یافته و از جانب سلطان عثمانی حکومت ولقب یافته بود نادر ۲۵ ربیع الاول

(۲۵ اوت) در ساحل رود کر اردو زد و چهار روز بعد با جنگ شماخی را فتح کرد

داغستانیها به قلعه رفته از کنیانی [illegible] حیار و تکه و فرمانروا

عثمانی مدد گرفته مجمعی ۲۰۰۰۰ نفر بلغ شد نادر طهماسب

جلیدی مقابله [illegible] فرستاد که آنان را در حوالی داوا باتان [1] مغلوب کرد

و نادر دولتی اشغال برای قطع خط بازگشت سرخای تا قلب ولایت غازی قموق

پیشرفت [illegible] لشکرکشی در این کوهستان بسیار دشوار بود و با وجود شجاعت های

افغانها ابدالی نتیجه حاصل نشد سرخای بسمت شمال گریخته و مردم داغستان

خط رجعت نادر را مغشوش کرده بعد فقط خاص بولاد پرشنگال صاحب

ترخو [1] بطرف نادر رسید و از طرف دیگر ~~[illegible]~~ ارادوگاه [2]

مژده داد که بر سپاه عثمانی که بتفلیس غلبه یافته اند از ارادوی داغستان [1]

نادر ~~[illegible] کوهستان نزدیک قبر گردید~~ و در ۱۶ جمادی الاول

(۱۸ اکتبر ۱۷۳۴) وارد کوهستان نزدیک قبر گردید و در ۶ جمادی الثانی

(۳ نوامبر) بقلعه گنجه رسید و علی پاشا و فتحگیران سلطان از خانواده

حوزینی کریمه بحفظ آن اشتغال داشتند جنگ بسیار خونین و تند

اعمال قلعه‌گیری فرق العاده شد پرنس گولیتسین تونباز قلعه استانا

---

(۱) قبله در میان شیخ و شماخی واقع است و جار و تکه در شمال کاختی در ماوراء

الازان (قانیق)

(۲) نزدیک پطروسک الکون مخ قلعه نام دارد

(۱) در روضة الصفا داوه ماش
و در جهانگشا داوه باش ارتفاعیه
ترجم

و همدیگر باکو را والی بختیار باز گذاشت صفی خان بغایری از جانب نادر مأمور شد
که بتنهایی اعیان گرجستان به محاصره تفلیس پردازند و دیگری نیز بر گروه لزگیهای
جار و تله گیر شد ولی شدت زمستان از پیشرفت پادشاه ممانعت کرد
هنوز برای مشغول کردن و مقید نمودن دشمنان ... خود از ۱۷۳۴ ببعد ...
تحریک میکرد که در کارهای دولت عثمانی مداخله نماید (تا وقت روس) ● عبور کند. و از
اراضی ایشان و ملک خود محسوب میکرد اجازه نمیداد عاقبت در ۱۷۳۶ این گفتگو
منجر به جنگ روسیه و عثمانی شد (۲) چون روس ... این ... را دید ...
میکرد نیز ... هرچه زودتر باکو و دربند را ترک کند و این معقود
در دوم یا بیست و دوم مارس ۱۷۳۵ در گنجه عهدنامه جدیدی با ... روسیه
بموجب آن روسیه و ایران متعهد میشوند که در جمیع موارد با هم متحد بوده و ...
انجام حالت ... از ... [illegible] (۳)
نادر چون موقع ... را ... و فرمان داد تا مردم آن شهر ...
که در کنار آق سو برآورده منتقل شوند.

جنگ ایروان

چون عبدالله پاشا کوپرولو زاده تقاضای ... نادر افواج را در گنجه گذاشت
... با ... حمله آورده و خود روز ۱۲ ذیحجه (۶ مه ۱۷۳۵)
از گنجه حرکت کرد.
پاشای وان ... تفلیس ... در ...
در ... توقف کرد و ... روز اول محرم ۱۱۴۸ (۲۴ مه) ...
تقاضی ... عثمانی از قلعه بیرون ... نادر بطرف ایروان عطف
عنان کرد ... به گنجه تفلیس و قارص چهار حصن حصین بود ...
نیروی دولت عثمانی با آن ... استانبول ... عبدالله پاشا
با ۷۰۰۰۰ سوار و ۵۰۰۰۰ پیاده از ... تاخت ...

~~با نادر ... ایران ...~~

Butkov ... P-chenese ...
(۱) ...
(۲) همان صفحه ۶۶
(۳) ...

باعاورد (۱) در موف ارزاب تمرکز کرده . روز ۲۶ محرم (۱۸ ژوئن ۱۷۴۵)

نادر تفوق نهایی حاصل شد ۸۰۰۰۰ نفر از سپاه عثمانی که ادران حمله عبدالله

پاشا و [illegible] مصطفی پاشا [illegible] دیاربکر بوده [illegible] سپرده (۲)

در قرب [illegible] اشترک ارامنه ایرانیان را مدد دادند تا کردهای همراه پاشای

وان را شرق کرده بیرون فتح گنجه در ۱۷ صفر (۹ ژوئن)

تفلیس در ۲۲ ربیع الاول (۲ اوت) تسلیم شد . نادر تقاضای دیگر

[illegible] [illegible] مقاومت [illegible] تخریب [illegible]

در بار عثمانی احمد پاشا [illegible] را [illegible] که [illegible] قارص را نگاه داد

ترکها ایروان را [illegible] در ۱۵ ربیع الاول (۳ اکتبر) تسلیم گشت .

عزیمت نادر به داغستان

هنوز اوضاع داغستان تاریک بود داغستانیها قبه [illegible] را [illegible]

~~[illegible]~~

وادی (۲) زیر قراقیاق ؟ ترخو [illegible]

ترخو پایتخت شمال متمد نادر بود .

نادر از اطراف قارص عازم گرجستان شد و بجای تیموراز (تهموارث)

پادشاه عیسوی ایبا عمیرزا را که تازه اسلام آورده بود والی کرد . تیموراز

در کمال ناامیدی به گرجستان شتافت و علم طغیان برافراشت روز

۲۹ جمادی الاول (۱۷ اکتبر) نادر وارد تفلیس شد و بنا بر عادت خود

...... و خانواده را بخراسان کوچ داد .

از تفلیس نادر در دیگ خان کریمه قبطان گرای بعد که از ۱۷۴۴

ببعد در داغستان توقف داشت (۴) در راه نادر طوایف لگزی

جار و تله را تنبیه کرد که همه آوارهای داغستان متواری شدند .

---

(۱) اعوارد اعوزد (در زبان ارمنی) در نامهای امیرالامرا [illegible]

(۲) جاثلیق ارمنستان ابراهام کرتی شاهزاده [illegible] و [illegible] ادرد ۷ ژوئن

(رجب ترام) اتفاق افتاده است

(۳) در زبان داغستانی این کلمه اوتسمی نوشته شود

(۴) رجوع شود به کتاب بوتکف مجلد اول صفحه ۳-۱۲۱ و کتاب [illegible] خوانین کریمه

[illegible] ۱۸۸۹ ص ۵۵

[illegible] [illegible]

تا به نام دولت عثمانی در این وقت وارد اراضی ایران شده و خان کریمه به جبهه مراجعت کرد
وقتیکه از جانب خود علی را تا مرز بعد متحد کرده بود (سرخای برای شروان اوسمی
برای دربند الداد برای ترخو) با وجود سرمای سخت نادر از راه آلتی آغاج
به جنگ لشکر کشیده خاص پولاد را اشغال کرد و اوسمی را عفو نمود و احمد
قاضی آق قومو را به باد فنا داد ولی بر سرخای دست نیافت.

انتخاب نادر به پادشاهی ایران در مغان

در ۸ رمضان (۲۲ ژانویه ۱۷۳۶) نادر [بیلقان] رود کر و ارس [را گذشته]
رسید و در دشت مغان (نزدیک جواد) اردو زد و به امراء و ولات را دعوت کرد.
و گفته شد که در انتخاب شاه مطالب نمائید، شاه عباس ثالث
که زنده بود یا هر کس دیگر آزادند نادر اظهار داشت که چون مقصود او انجام
یافته میخواهد بخراسان بازگشته گوشه اختیار کند تاج سلطنت را نپذیرفت مگر به
از اصرار و ابرام جمعیت و شرط نمود که ایرانیان دست از
ادوات مذهب شیعه که بوسیله شاه اسمعیل متداول شد باز دارند و لایق مذهب را
که مخالف آئین کرام و اوزاع عظام است ترک نمایند)) با این تدبیر
اتحاد ممالک اسلامی صورت گرفته و مذهب شیعه خامس مذاهب اربعه خواهد
و در فروع مقلد طریقه حضرت امام جعفر صادق بن امام محمد باقر خواهد گشت
این شرط پذیرفته و لطفی بهم به حضار تقید دو فرمان ضبط گردید. الخ.
نادر شروط پنجگانه را که باید به سلطان عثمانی عرضه شود ترتیب داد

۱- چون ایرانیان از اعتقادات سابق خود تنزل کرده‌اند دولت عثمانی باید
مذهب شیعه را خامس مذاهب اربعه بشناسد
۲- شیعیان در مکه باید رکن خاص داشته باشند
۳- هر ساله از ایران امیر حاج معین و از راه شامات به مکه برود
۴- اسرای ایران مبادله شوند
۵- سفرای دائمی از دو جانب معین و [در پایتخت] پذیرفته گردند

شاه و ایلچی عثمانی مدارک سابق که در دشت مغان شاه را ... مقاوله بود (۱)

(۱) در متن معاهده و تعیین امیر حاج ... معین بطرز آنها از راه شام)

(۱) ... Hanway ... ۳۴۲ ... Otter ...

روز پنجشنبه ۲۴ شوال ۱۱۴۸ (۱) نادر تاجگذاری کرد و در این هنگام نیز دو قطعه سوگند(?)
با عبدالباقی و حسن بیگ [illegible] اعزام شده (مادر عبدالباقی عمه ابراهیم خان زنگنه بود)
شاهزاده. رضا قلی میرزا ~~[illegible]~~ والی خراسان شد و ملا باقی خان جلایر بوزارت
او منصوب گردید و ابراهیم خان ظهیرالدوله برادر پادشاه والی آذربایجان گردید
(از جنگ قپیدن کوه تا ارچجان)

لشکرکشی قندهار

در این وقت تنها یک نقطه تاریک در افق ایران موجود بود ناحیه قندهار که منبع
فتنه طایفه غلزائی و محل حکمرانی حسین خان برادر محمود که ملوک ابدالی هرات
محسوب میشد بشمار میرفت(?) در ۲ ذیحجه (۱۴ آوریل ۱۷۳۶) نادر از
مغان حرکت و از راه گرمرود و شوشتر(?) و قزوین رهسپار گشت.
تنبیه کردان [illegible] و تسخیر جزایر بحرین بدست بیگلربیگی فارس
و تقسیم شدن دلاورخان ~~[illegible]~~ تایمنی که بعد از کشتن بابر(?) در [illegible] سکنی گزیده بود
در این ایام رخ داده است. [illegible] قبل از تسلط [illegible] در دست [illegible] حواله بود
از [illegible] به تنبیه بختیاری رفت و در ۹ رمضان(?) [illegible] ۱۱۴۹
(۱۵ دسامبر ۱۷۳۶) وارد اصفهان شد و روز ۷ رجب (۱۰ نوامبر) از آنجا
عزیمت قندهار حرکت کرد در ۸ شوال [illegible] و در ۲۱ شوال
(۲۲ فوریه) سپاه از هلمند گذشته قبل از نوروز ۱۱۴۹ (۱۷۳۷) بظاهر
قندهار رسید.
نادر برحسب وعده ای که ~~[illegible]~~ در اردبیل(?)
خود در روم به سرفه شیر دود ~~[illegible]~~ بنا نهاد و شهر جدید
بنام نادرآباد برآورد در محرم ۱۱۵۰ (مه ۱۷۳۷) بدست قلیچ(?) شد
سیدال که مردی آوازه‌گر ~~[illegible]~~ بود در قلعه کلات گرفتار و بفرمان نادر [illegible]
چنین فوج بزرگی با بلوچها روانه و [illegible] بلوچستان تسخیر گردید.

---

(۱) بنابر جدولهای وستنفلد پنجشنبه ۸ مارس ۱۷۳۶ مطابق ۲۶ فوریه
حساب قدیم [illegible] است و ابراهیم [illegible] همین تاریخ را ذکر کرده است

(۲) [illegible]

رضاقلی میرزا تسخیر بلخ را [illegible] شد و لیکن در ربیع الاول (ژوئیه ۱۷۳۷)
مستخلص گشت. مردم قندوز بدخشان را باطاعت خود وادار کرد. شاهزاده افشار
از فرمان پدر تخلف کرد. از آب جیحون گذشته از طریق قرشی (نخشب) بخارا
روی آورد ~~[illegible]~~ خانهای بخارا و خوارزم مضطرب شدند ولی چون از سرداران
لشکر شاهزاده بعدها رسیدند نادر از شنیدن این اخبار ناخشنود شد پسر را
بباز گشتن از ماوراء جیحون فرمان فرستاد.

روز ۲۲ ذوالقعده ۱۱۵۰ (۱۴ مارس ۱۷۳۸) نادر امر حمله عام
بقندهار داد اما یورش انواع بختیاری و کرد و ابدالی در آغاز کار بنتیجه نر[سید]
روز ۵م ذوالحجه بختیاریها برج ده ده را گرفته و قندهار تسلیم شد
حسین خان غلزائی و ذوالفقار خان ابدالی با خویشاوندان انها بمازندران
تبعید گشتند و قندهار با خاک یکسان شد (۱)

در ۱۹ محرم ۱۱۵۱ (۹ مه ۱۷۳۸) سفیر عثمانی رخصت یافت
که بعثمانی فتوحات نادری را ببرد ولی چون جوابی که آورده بود راجع
~~[illegible]~~ بتحمیل مذهب حنفی بود نادرشاه علیمردان خان را
با سمت سفیر فرستاد که مذاکرات را دنبال کند. (۱)

لشکرکشی بهندوستان

میتوان علت سوق سپاه بقندهار را این دانست که نادر میخواست سرحدات
ایران را بخط سرحد عهد صفوی رساند و دستهای دشمنان را بکند
اما سبب پیشرفتن او بجانب هند [illegible] این بود که آن مملکت را بی پایان
و خزانه دولت ایران را ~~[illegible]~~ از لشکرکشیهای پیاپی خود
خالی میدید. ازاین تاریخ به بعد مورخین خارجی از قدرت لشکر ایران یکی را نوشته اند (۲)

---

(۱) همراه او یکنفر موسیقیدان ارمنی آرتین نام بود که سفرنامه خود را نوشته است
(۲) رجوع شود به Otter جلد اول صفحه ۲۲۴ ناسیه روی تقویم اصفهان (رجوع شود به سولویف Solovieff) در این باب مطلب خوبی ذکر کرده است: نادر احمد خان که
هنوز در روسیه ایلچی بود در این وقت مجبور شد تن بجنگهای تازه‌ای که روی داد.

بهانهٔ این جنگ بسیار بارها بود. نادر از محمدشاه رنجیده بود که چرا فراریان او را
در باب منع فراریان افغان با کابل هندوستان جواب مقنعی نداده است.
و در اثنای توقف در قندهار نادر از اوضاع پریشان مملکت هندوستان
و در موقع تاخت و تاز بهرات و گرفتار بایافتن کردن شاه، و دوچار
رقابت و منافسه وزراء دربار [illegible] بود اطلاع یافت. چنین از اسرار
درگاه محمدشاه [illegible] خراسانی دو نفر با برای نادر مهم است که نادر در
نهان با بعضی از ~~[illegible]~~ [آنها] روابط داشته است (۱)
۲۳ صفر ۱۱۵۱ (۲ ژوئن ۱۷۳۸) غزنین فتح شد و کابل در
۱۲ ربیع الاول (۳۰ ژوئن) و جلال‌آباد در ۳ جمادی الثانیه (۱۸ سپتامبر)
تسخیر گشت. در این اوقات نصرالله میرزا [illegible] و بابایان را عوض تاخت
و تاز خود کرده بود. رضا قلی میرزا در [illegible]. نادر در بهار [illegible] زکی
جلال‌آباد بجنگ [illegible] رسید و نیابت سلطنت ایران و [illegible] تغییر و تبدیل
[illegible] را یافت. نادر هم تاج به پسران خود رضا قلی میرزا و
نصرالله میرزا عطا کرد. ناصرخان والی پیشاور معبر خیبر را بوسیله افغانها
مسدود کرد اما نادر از راه صعب‌العبور کوچه گذشته ناصرخان را گرفتار کرد.
در پیشاور جز [illegible] ابراهیم خان را داد. نادر [illegible] بدست ملکی (۲)
جا و [illegible] رسید و پادشاه اصلان خان ترکمن را با [illegible] اوزبکها
کوهپایان فرستاد. و در ۱۵ رمضان (۲۷ دسامبر) راه دهلی را پیش گرفت
پیر از فتح لاهور نادر زکریا خان (خزانه ؟!) را ~~[illegible]~~ [illegible] ابا
به جا گذاشت و ناصرخان را حکومت پیشاور و کابل ارزانی داشت.

---

(۱) رجوع شود به تاریخ [illegible] در کتاب اثر [illegible] جلد اول ۳۵۵ مبدأ است
رجوع شود به کتاب الیو داودس [illegible] صفحه ۶۰

نادر چون در روز ۲۶ شوال (۶ فوریه ۱۷۳۹) از لاهور بیرون رفت شنیده بود که محمدشاه
با سیصد هزار تن سپاه و ۵ هزار فیل و ۵ هزار توپ (۱) بکرنال (۲) رسیده است
و در [illegible] رود (۳) [illegible] است اردو زده دارد. نادر موفق شد ارتباط
محمدشاه را با پایتخت او قطع کند. چون سعادت خان (۴) صوبه‌دار عود که
اجلاً [illegible] نبود با لشکری جرار فرا رسید نادرشاه بمقابله او شتافت
و این امر جنگ روز ۱۵ ذوالقعده ۱۱۵۱ (۲۴ فوریه ۱۷۳۹)
شروع و بفتح نادرشاه خاتمه یافت با آنکه [illegible] بیش از
۵۵ الی هشتاد هزار سوار نداشت. (۶) پس از سه ساعت جنگ آنها
خان دوران سپهسالار هندوستان بسختی مجروح و سعادت خان گرفتار شد.
دلیری ایران تفنگچیان (خوارزمی) نادری که از روی کمال راستی بود
پادشاه نادری [illegible] را در اردوی خود متوقف و [illegible] او را [illegible] کرد.
[illegible] نادر بخوبی پیدا است که [illegible] قوای او در کشور عظیم هندوستان
[illegible] و مستغرق خواهد شد (۷) [illegible]
[illegible] عهد مصالحه کرد و مبلغ ۵۰ لک (۵۰۰۰۰۰۰) روپیه را بپذیرد
چند روز بعد بنا بر دعوت [illegible] محمدشاه [illegible] وارد دهلی
وارد شد (۸) [illegible] ایران بود و افراد
سپاه او از [illegible] تقریباً [illegible] نادر از این [illegible]
[illegible] کرده و از پادشاه هند ۲۰ کرور (۲۰۰۰۰۰۰۰۰) روپیه
و ۲۰۰۰۰ سپاه امدادی تقاضا کرد. سعادت خان با [illegible]
[illegible] خان جدید [illegible] و حاکم آنجا [illegible] را
[illegible] تسلیم کرد. روز نهم ذوالحجه (۲۰ مارس ۱۷۳۹) نادر

---

(۱) سرکار قسمت ۲ صفحه ۳۴۸ عده جنگجویان را ۷۵۰۰۰ نفر و [illegible] را
یک میلیون نفر تخمین کرده است
(۲) ۱۲۵ کیلومتر (۲۰ فرسخ) در شمال شاه‌جهان‌آباد (دهلی)
(۳) سرکار تاریخ ۱۴ فوریه را قید نکرده
(۴) [illegible]

(۵) [illegible]

محمدشاه، پایتخت دهلی شد. نام نادر در خطبه ها ذکر و بنام او سکه ضرب شد
روز ۱۵ ذوالحجه (۲۲ مارس) نادر بازدید محمدشاه رفت. بعد از ظهر آن روز
شایع شد که نادر در قصر شاهی بقتل رسیده است. اوباش و غوغای دهلی بر سربازان
ایران حمله برده و چندین هزار نفر را[۱] کشته و بازار بغارت کردند. صبح روز بعد
نادر بمسجد رفته و فرمان قتل عام داد [۲] که در ساعت ۹ صبح آغاز شد
و در ۲ بعد از ظهر بار نادر که بر غضب خود مسلط شده بود خاتمه یافت. [۳]
قحط و خطر که نتیجه این حوادث ناگوار بود بر دهلی حکمفرما شد و نادر با یک حال
همراه در دهلی توقف کرد و در ۲۶ ذوالحجه (۶ آوریل) پسر [۴]
او نصرالله میرزا با یکی از شاهزاده خانمهای مغول هند[۱] ازدواج کرد.
تمام ثروت جواهرات و اشیاء گرانبهای سلاطین گورکانی مال از منقول بود میزان مال
هنگفتی که گرفته است کاملاً معلوم نیست. آنندرام مخلص [illegible]
۶۰ لک (۶۰۰۰۰۰۰) روپیه نقد و ۵ لک (۵۰۰۰۰۰) جواهر
می نویسد که از آن جمله ~~[illegible]~~ الماس معروف به کوه نور و تخت طاووس بود.
لشکریان [illegible] یافته [illegible]
از ۶۰ الی ۱۰۰ روپیه نصیب گرفته. مملکت ایران را
سه سال از مالیات معاف کرد ~~[illegible]~~ لکن ایران طلا دنبال
نداشت و وجوه بنه دلی بزودی تقلیل یافته دیگر گرفته شد!
روز ۳ صفر ۱۱۵۲ (۱۲ مه ۱۷۳۹) انجمن بزرگ در
دهلی فراهم آمد و نادر در حضور آن جماعت تاج سلطنت هند را بسر
محمدشاه نهاد. و او هم بنشانه سپاسگزاری از ایالات پادشاهی ولایات
مغرب (شمال غربی) سند را از کشمیر تا ولایت سند بنادر تقدیم کرد

(۱) دختر محمدشاه، ترجمه

---

(۱) از ۳ تا ۷ هزار نوشته اند
(۲) میرزا مهدی خان عده کشتگان را ۳۰۰۰۰ می نویسد
(۳) حتی هر چند [illegible] را هم نادر را [illegible] و [illegible] رجاء شود برای
ص ۹ — ۳۶۰

صوبه تته و بنادر آن هم جزء اراضی دولت ایران شد بود. نواحی شرقی سند که
تحت نظر ~~میان~~ شاه عالم بود بتدریج و به تناسب پرداخت وجوه باقی
تخلیه گردد.

روز ۵ صفر ۱۱۵۳ (۱۲ مه ۱۷۳۹) نادر پس از ۵۷ روز
توقف در دهلی بجانب شمال رهسپار ~~[illegible]~~ ولی در آنجا بازگشت سپاه را
دشوار و طولانی کرد. در راه نادر افغانهای یوسف زائی را تنبیه کرد و در
اول رمضان (۲ دسامبر) وارد کابل شد و در آنجا ۴۰۰۰ افغان و هزاره را
در اردوی خود داخل کرد.

بنه و اثاثه را به هرات فرستاد و خود چون از رفتار خدایار خان عباسی
حاکم سند دل از اطمینان حاصل نبود نادر مجبور شد [illegible] بجانب دشت
حرکت کند. این لشکرکشی اخیر نادر را باید از جمله عجایب کارهای حال حیات
او شمرد.

از طریق ~~بنگش~~ بنگش و ادهک و [illegible] نادر وارد دیره اسمعیل خان شد
(۵ شوال / ۵ ژانویه ۱۷۴۰) و از آنجا در ۱۵ شوال / ۱۵ ژانویه
به دیره غازی خان رسید و حکام آنجا سر تسلیم پیش آوردند.
در ۱۲ ذیقعده (۱۲ فوریه) نادر به لارکانه (در جنوب غربی سکهر) وارد شد
خدایار سمت عمرکوت گریخته بود. روز ۲۱ ذیقعده (۱۹ فوریه)
نادر از شط سند گذشت و از بیابان خشکی در ظرف هفت روز خود را
به شاه داد پور رسانید (در شمال نواب شاه و شمال شرقی حیدرآباد) از آنجا
بیک یورش ~~[illegible]~~ [illegible] فرسنگ راه [illegible] بیابان را
برید ~~[illegible]~~ و ناگهان در برابر عمرکوت (شمال تار ۵۰ [illegible]
ولایت بمبئی) ظاهر شد. خدایار در این شهر خود را از حمله نادر [illegible]

دای [illegible] درباب [illegible] سردار [illegible] از نقاط روحانی هم بوده [illegible] بتاریخ [illegible]
صفحه ۹۸ [illegible] Ravorty [illegible] ۱۸۸۸

صفحه ۲۱۶ [illegible] در ترجمه تاریخ [illegible] مربوط [illegible]
حاکم سند [illegible] (مترجم) صفحه ۳۲ جلد ۲)

ولی قسمت عمده کشتی های دیگر که در جزایر بلاد تحت گردید روز ۵ ذیحجه (۱۲ مارس)
نادر از عمده کشتی ها حرکت کرد و بعد از یازده روز وارد لارکانه شد
پس از نوروز ۱۱۵۲ / ۱۷۴۰ نادر ولایات جدیدالتصرف را
قسمت کرد. بخارا و (محمد شاه ملقب به ...) و محبت خان والی بلوچستان
و خوانین داود پوترا (۱) سپرد.
در این اوقات تقی خان حاکم فارس با سفاین که تازه ساخته شده بود
وارد خلیج فارس شد ولی تقی به بهانه عدم رضایت نادر او را از توقف داد.

یورش بخارا

نادر بعد از ترک لارکانه در ۱۳ محرم ۱۱۵۴ (۱۰ آوریل ۱۷۴۰) راه
سیوی و دادر و شال و قوشنج (۲) را پیش گرفت و روز ۷ صفر (۳ مه)
وارد نادرآباد شد که حدود ۷ روز پیش از آن با فتح هند آورده بود (۳).
در ۱۰ ربیع‌الاول (۵ ژوئن) به هرات وارد گشت. تخت طاووس و خیمه بسیار
... دانه فتوحات هند نادرشاه بعد برافراشتند در تاریخ نادر عید
بسیار کم است. نادر بعد از ۱۵ روز حرکت کرد از راه قراتپه بادغیس
ماروچاق و چیچکتو و اندخود در ۷ جمادی‌الاول (۱۲ ژوئیه)
بلخ رسید. از هندوستان نجاران بسیار برای ساختن کشتی فرستاده بود
در این وقت ۱۱۰۰ کشتی در یک کنار ... ۱۰۰۰ ... برداشت در جیحون آماده بود.
روز ۱۷ جمادی‌الاول (۱۰ اوت) نادرشاه بجانب کلیف راند و توپهای آورده را
از راه آب حمل کرد. در کرکی نایب‌السلطان ... بخارا بجلو رفت و
رضاقلی میرزا را ... کرده بجانب ... فرستاد و علیقلی خان برادرزاده خان را (۴)
از ساحل یمین جیحون روانه کرد. ۱۸ جمادی‌الثانی (۱۳ اوت)

---

(۱) ولایات شکارپور در سند علیا بخاندان داود پوترا تفویض شد ... احوال
دودمان ... به کتاب ... ۱۸۸۸ ...
(۲) ... اول صفر ۱۱۵۱ (۲۱ مه ۱۷۳۸) بود.
(۳) که بعد عادل شاه لقب یافت.

نادرشاه بچارجوی رسید و در ظرف ۳۰ روز جسری ... ساخته شد روز ۱۴ جمادی الثانی
(۶ سپتامبر) با همراهان گذشت و وزیر بخارا (حکیم بی آتالیق) را
بدرود داد و اورا از حسن نیت خود نسبت به ابوالفیض خان حاکم بخارا مطمئن ساخت
روز ۱۹ جمادی الثانیه (۱۱ نوامبر) نادر از راه قراکول بنزدیکی بخارا رسید و خان را
بحضور پذیرفت جیحون را سرحد قرار داده و باانکه (؟) خواهرزاده ابوالفیض خان را در
جانب شرقی رود جیحون شناخته شد اورا مجبور کرد که ۲۰۰۰۰ نفر از ترکمان
وازبک همراه رکاب نادر کند بدین طریق پیوسته شد و ایران در سیاست بخارا ید
خود نظارت داشت از الطاف قابل توجه این است که نادر شاه (پس از اعلام)
تفوق خود تاج بسر ابوالفیض خان نهاد (۱) علی قلی میرزا یکی از
خواتین چنگیزی را زوجت کرد (۱) و ~~شاهزاده خانم~~ دختر دیگری به حرمسرای نادری در آمد.
طهماسب قلی خان جلایر با ایالت به نواحی واقع در شمال شط سند (اتک)
منصوب گشت و نادر دستور داد که این امیر با زکریا خان صوبه دار لاهور و ملتان
متفق بوده به یکدیگر یاری دهند.

دختر ابوالفیض ؟ ترجمه

فتح خوارزم

در ۱۶ رجب (۷ اکتبر) نادر از بخارا برگشت به ایلبارس خان خوارزمی شتافت
که بهنگام توقف نادر در هندوستان در سرحدات سرخس و ابیورد تاخت و تاز کرده بود
ترکمانان خوارزم به در چهارجوی آماده کارزار بودند لکن نادر از جیحون گذشته وانان را
منهزم کرد (۲۱ رجب ۱۱۵۳ / ۱۲ اکتبر ۱۷۴۰)
نادر فرمان داد تا سفاین حامل آذوقه و توپخانه بجانب خوارزم ~~[illegible]~~ روانه شوند (۲)
و خود در ۲۴ رجب (۱۷ اکتبر) از چهارجوی حرکت کرد و ۱۳ شوال (۳ نوامبر) به
داوابوینی (قریه مروه) (۳) سرحد خوارزم رسید. ایلبارس سپاه خود را در هزاراسب

در حاشیه ... دیده بودند گرفته است ... خوارزم است ... ترجمه

---

(۱) یک نوع روایت لطفعلی خان بابا سمرقند را به سنگ مزار تیمور و در آهنین مقبره او را
بمشهد نقل کرده اما دو فرمان نادر پشیمان شد آنها را بسمرقند باز فرستاد رجوع شود به
زاپیسکی Zapiski بارتولد صفحه ۲۵ ص ۸۴ تا ۸۸ (بنابر روایت کلکاتا)
(۲) تفصیل جالب توجهی از این واقعه در کتاب عبدالکریم است ترجمه گلادوین ص ۵۶

گرد آورد و لما چون از حصار بردن نیامد نادر قلعه (هزار غان) در دادا برینی ساخته بسوی
خیوه رهسپار گشت ایلبارس مجبور شد که [illegible] از پا نادر برود ترکمانان
یموت دسته جنگ را شروع کردند ولی دوام نیافت ایلبارس به خانقاه رفت که [illegible]
قلعه محکم خوارزم شمار میآمد. روز بعد در جنگ سختی فتح یافته در قلعه حصاری شد
مدت ۳ روز در حصار در زیر آتش توپ و [illegible] بود و در ۲۴ شعبان ۱۱۵۴
(۱۲ نوامبر ۱۷۴۰) قلعگیان تسلیم شدند ایلبارس را [illegible] آورده
هر او را با ۲۰ تن از اعیان خوارزم [illegible] رسانید علت این قتل را مخالف
رسم و عادت [illegible] این است که ایلبارس قبلا سفیر پادشاه ایران را کشته بود.
طاهرخان [illegible] را که از نسل چنگیز [illegible] در خدمت نادر بسر میبرد حکمران
خوارزم دانست (۱) ابوالخیرخان امیر قرقیزهای قزاق بجای ایلبارس
[illegible] چون کار را از دست رفته دید [illegible] و چون نادر امداد
[illegible] را از [illegible] خیوه بازگرفته اوزبکان [illegible] به مقدار [illegible]
دریافته و تسلیم شدند و نادر بنا به سیاست [illegible] که داشت [illegible]
نفر اوزبک را [illegible] آرامی [illegible] کرد و ۱۲۰۰۰ نفر از اسرای ایرانی را
نجات بخشیده در حوالی ابیوردی مسکن داد و برای آنها شهری مستحکم
بنام خیوه آباد ساخت. اسیران [illegible] خوارزم [illegible] بوطن خود
فرستاده شدند. نادرشاه روز ۱۷ رمضان (۶ دسامبر) از خیوه حرکت کرد
[illegible] راه چارجوی (۹ شوال/۲۳ دسامبر) [illegible] کلات [illegible]
و [illegible] در مولد [illegible] او بود رفت و بناهای تازه [illegible]
در [illegible] شوال نادر به مشهد وارد شد و هدایای گرانبها [illegible] امام رضا
تقدیم کرد

[illegible] از هندوستان [illegible] رسما از جانب [illegible] و واگذاری [illegible]
پرگنه کابل [illegible] واقع در [illegible] شد [illegible] را [illegible] اعلام کرد
خراج [illegible] ۱۲۰ هزار [illegible] بود. (۱)

---

(۱) [illegible] خان [illegible]

تنبیه جار.

نادر هرگز طغیان و شورش را از خاطر نمیبرد قبل از عید نوروز یعنی سرحد دیگر کشور خویش
خواست که تعقیب خوانین لگزیها را کیفر دهد نظر تعقیب آذوقه و تحمل اهل
این جنبش شاه و ماهنورزان سو پیشرفت
در راه خبر یافت که افغانهای ابدالی که قلعهٔ اغوان شده بقانیق (الزان)
رسید روز ۱۵ ذیحجه (۳۰ مارس ۱۷۴۱) ~~...~~
طوایف جار و جادوغ داق زوبیر را دنبال کم کرد کرده بنه مازندران دار
تا ۲۰۰۰۰ روپیه این سربازان دلاور انجام داده (۱)

سوء قصد بنادر

هنگامی که نادر از مازندران میگذشت حادثه رخ داد که نشان تغییر اخلاق وی را او گشت
روز ۲۸ صفر ۱۱۵۴ (۱۵ مه ۱۷۴۱) در حوالی قلعه اولاد شخص مجهولی در میان جنگل خود را
پنهان کرده بود گلوله انداخت او را مختصر جراحتی رسانید (۱) رضاقلی میرزا را از بی
بر پیشه قراولان را پیش خواند آنا ضارب جان یافته دگر گریخته بود میرزا فعلاً
در ضبط و رواج حوادث دوغ ها نوشته ضارب را (۲) غلامی آقا میرزا پسر دلاور خان
تاجیکی دوست است آنا رضاقلی میرزا در غیاب پدر رفتارهای ناهنجار
کرده بود (۲) متهم تجریک شد نادر عالی به قزوین را ~~...~~ در طهران نگاه داشت
در دو روز توقف به دهه راه قزوین را پیش گرفت و در پنجم ربیع الاول
(اوخر مه ۱۷۴۱) بآنجا رسید.

لشکرکشی بداغستان

نادرشاه از راه قراباغ و بردع بقبله دارد و از شاه دوغ گذشته داخل
داغستان گردید. در اول جمادی الاولی (۱۵ ژوئیه) در ناحیه غازی قموق بود
این دفعه شمخال اوسمی قراقیتاق را در حاجی خان امیر غازی قموق

---

(۱) ~~...~~ (۱) لکهارت ... ص ... از ...

صحبت بیار دیوز

(۲) در بنزدار برادر زن خوزشه ... را تعقیب رسانید و با روایت براتیشچف
Bratischchev و اوتر جلد اول ص ۲۴۱ زن خود را نیز در شب تعقیب کرد اتهامی بود
بعدگی کرد. در باب ... و ... از ... به اوتر رجوع شود

بکشد نادر آمد. امّا فتح و مدیت آوار ها را بعد از ۱۵ روز مجبور شد ترک کند

در ناحیه قراقیتاق ۱۰م نماینده گان نادر منقول شده لی وقایع نگار روس

تخمین آورده و اعلام کرد که تا داغستان را با طاعت نیاورد باز نخواهد گشت.

نمایندگان روسی گمان میکردند که نادر خیال لشکرکشی بمملکت اینها دارد (۱)

آنها چون در روسیه اصلاحات پتر ثروتمند شده و غنایمی از آنجا بدست می آمد نادر نواحی شمال

قفقاز دو دفعه برد و طمع آنها هم از معابد گرجیه کم میکرد همچنین در سال پیش داشتند که نادر

با سفیر الوان که از حرکت روسها نزد پادشاه

ایران رفته بود سفارشی در جواب راه بیندازد (۱) تلگرافها با دولت

روس در جلو ماه مه ۱۷۴۲ ... ۴۰۰۰۰ نفر سپاهی در قزلر مجتمع ساخت (۲)

در اوایل اکتبر ۱۷۴۲ (رجوع شود به سیتیل) بنگاهی که نادر در داغستان

بعد مبعوث که ترتیب داده و اعضاء آن را با تلافی انتخاب کرد لی بخت

رضا قلی میرزا را بجرم تحریک خارج ساخت. لکن آوردند و پدر فرزند را نابینا ساخت (۱)

وقایع نگاران روسی که معلوم کرد از اینکه داغستان چقدر بیحاصل و

زیانبخش بود و قشون ایران چگونه از قحط آذوقه و شکست ... (۱۰)

نادر سخن از استعفاء و تقسیم سلطنت بیکی از فرزندان خود بمیان آورد، و چند نفر

صنعتگر تعلیمات زنانه بود که باغهایی برای اقامت اول بنا کرد.

---

(۱) در نامه ... نایب السلطنه روس آنا لئوپولدونا در ۱۴ اکتبر ۱۷۴۱ به کنت ... نوشته این عبارت دیده میشود: «سفیر ایران [محمد علی] با تمام فیلها راه ... سفیر ترک پذیرفته شد بار یافت میگویند یکی از مقاصد سفیر ایران این است که پرنسس الیزابت را (که در آتیه ملکه روس شد) برای شاه خواستگاری کند و اگر موافقت نکنیم با ما جنگ خواهد پرداخت» رجوع شود به سولویف

مصر ۲۱ یادداشت صفحه ۱۲۱

(۲) ... جلد ۲ ص ۱۰۲: «کشتی انگلیسی ... عاز بود» راجع برگذشتهای اورجع نزد کتاب ... و ... و سولویف.

(۳) بوتکف جلد اول ص ۲۴۰

(۴) رجوع شود به بیانات نماینده روس براتیش چف که در آنوقت در دربند بود. رجوع کنید بجداول ... تاریخ بوتکف جلد سوم ص ۲۰۷

در این وقت مجدداً نادر بعثمانی متوجه شد در ماه ذیقعده ۱۱۵۴ (ژانویه ۱۷۴۲)
سفیر ایران از اسلامبول بازگشت و خبر داد که سلطان از قبول تجنیس مذاهب خودداری کرده است.
بنابراین نادر بسلطان اطلاع داد که اگرچه همه ممالک ایران را ~~مجدداً بدست آورده ولی با اعتقاد~~
در همه جا غیر از عثمانی مجدداً بدست آورده است ولی با اعتقاد او الآن صلح در بین دو
سلطان مهمتر از خاک و آب است. (۱) ولا یطلب حرفی حق خود) حاضر است که بعثمانی برود
در همین وقت نادر بتمام ملت ایران اعلام کرد که دولت از عقاید رفضیه که
شاه اسمعیل در مملکت رواج کرده باز داشته تعلیمات انجمن دشت مغان را تائید
نموده ~~...~~ و دست بکار مذهب تحقیق شرائط احترام را بجا آورند (۲)
بعد از نوروز سال ۱۱۵۵ (۱۷۴۲) نادر در ۲۵ ربیع الاول (۳۰ مه)
مجدداً لشکر بعثمانی راند و سران را بجای غارت داد شمال و غرب را در عرض
نادر حمله ولی ادریس در قلعه قرص محصور شده بود نادر او را محاصره کرد و عاقبت
گریخته باز نزد آمده تا رفت ولی ملانیه او در قراقیت ق باش امان آورده
و قلعه او را بخاک یکسان شد.

شورش ۳

توقف مدت نادر در دولت های عثمانی در این طول کشید شورش و اختلاط سلطنت نادر است.
لیکن دولت بجز از پیر بهگلان و قراقلق گشت از هر طرف علم طغیان برافراشتند و
در خوارزم پسر ابوالخیر قزاق طاهر خان را از جانب نادر حکومت داشت هلاک کرد
و بر خوارزم مستولی شد آنها بعقیده که لشکر برای ستوجه ایشان شد مردم خوارزم هم از آنجا
و رجال رضا بزرگان کردند برادران از طائفه در دارالی نادر بودند آنچه گاه
در پیر طیبارسی در بیخ ناهار گشته شد جانیشان و مالم خوارزم کشت ~~...~~
ترا که یموت و که در بیند در خوارزم جای داشتند بجز آنها کوچ داده شدند.
در ماه شوال (نوامبر ۱۷۴۲) درویش در بلخ علم طغیان برافراشت و گرفتار

(۱) مشکل است معلوم کرد که مراد نادر از اعلی ایران خاکهایی است که در تصرف ~~...~~ شاه ایران
بوده یا آنچه بر تیمور در دست داشته است رجوع شود بصفحه ....
(۲) رجوع شود بمتن فارسی مطلب در ترجمه جونز جلد ۲ ص ۱۲۲-۱۲۹ در نسخ
خطی تاریخ نادری متن خلاصه شده است.

« ازدونها نان و قزلباش » را بسلک رسانید تا از اولاد امیر دمور بیگ .

لشکرکشی بعراق عرب

نادر ترتیب آرایش در داغستان را تمام کرده ولی ~~از آنجا خارج~~ در ۱۶ ماه محرم
۱۱۵۵ (۲ مارس ۱۷۴۲) از آنجا خارج و شب نوروز وارد مغان شد (۱۱۵۶/۱۷۴۳)
و از راه قراچمن - تبریز - سنندج - شهر زور حرکت کرد و ترکها نه او را از ~~....~~
همدان - کرمانشاه - زهاب ~~...~~ بعراق رسید . احمد پاشا که از اشتهای پایان ناپذیر
خبر برد از بغداد بهزار نفر چنبه نزد او فرستاد و عذر خواست که نمی تواند شهر را تسلیم کند
نادر اطراف بغداد را متصرف آورده و خواهر خان جمشکزک را مأمور فتح بصره کرد
و فرمان داده که سفینه ها را که در نزدیک جزیره جمع شده است نگاه ببرد (۲)
روز ۱۴ جمادی الثانیه (۵ اوت) نادر بکرکوک رسید پس از یک هفته
آن قلعه تسلیم شد و اربیل در یک روز بدست آمد . در کرکوک بسمع شهریار ایران
رسید که سلطان عثمانی پس از شنیدن شکایتها و پیشنهادهای احمد پاشا فتوای شیخ الاسلام را
دایر بر تباین ~~....~~ مذهب شیعه با دین اسلام و مباح بودن قتل ~~...~~ ایرانیان
منتشر ساخته است . پس در ۱۰ رجب (۳۰ اوت) نادرشاه از کرکوک خارج
و ۲۶ رجب بمقام یونس نبی در موصل (برابر) وارد شد جسری بر دجله بسته شهر را محصور کرد
اگرچه شهر تسلیم نشد ولی مردم آن چه بعد دیدند که نادر را بنحوی خوشنود کنند وعده دادند
که نامه ای باستانبول روانه کنند که موجب رضایت خاطر پادشاه ایران شود و از
گذشته . در این وقت ایلچی احمد پاشا وارد شد و سخنان شخص سلطان را حاکی از
آنکه قبول تخمیس مذاهب باعث فتنه عام ~~....~~ خواهد گشت ~~....~~ بیان کرد . چند
جمله سلطان از نادر تقاضا کرده بود که بخاک ایران بازگشته و با احمد پاشا
قرارداد صلحی منعقد کند . نادر روز ۲ رمضان ۱۱۵۶ (۲۰ اکتبر ۱۷۴۳)
عزیمت کرکوک و خانقین را بپا رسید (۳)

---

(۱) بنا بر قول سعید (؟) نادر حتی ادعا « قرقمان (که در ترکی توبیق گویند) و ترغال و چرکس طاق اطاعت بگردن نهادند » ولی در حقیقت فقط تعهد است
شخصی و فردی در بیان آن بوده است ~~....~~
(۲) در ورود کرخه ؟ ... نقل از کتاب هامر فصل ۶۱
(۳) راجع بمسائل پایانی نادر در ایالت موصل رجوع شود بقیت نقل ترکی کتاب ... و قول یکی از عیسویان مقیم در موصل .

انجمن دینی

نادر بقاع متبرکه شیعیان را در عراق است زیارت و مزار ابوحنیفه را نیز طواف کرد
در نجف مجمع بزرگی از روحانیون گرد آورده مذاکرات این مجلس را از روی یادداشت موبدی کربلا
از شیخ اهل تسنن که اینک در دست داریم و نتیجه قطعی مجمع به قلم میرزا مهدی خان نوشته شد
در تاریخ او ثبت است. بعد از مقدمه تاریخی در این صورت مجلس مواد میثاق مغان تجدید
شده است با این اختلاف که بجای تقاضای رکن خامس در کلمه شیعیان فقط میخواهند
با رکن شافعی شریک شوند. اعضاء سابق انجمن شان در این مجلس بازگشت خود را از
عقاید باطله شاه اسمعیل تائید و تبجیل کردند. علماء عراق [illegible] با اثبات
حضرت امام جعفر صادق اقرار و مذهب ایرانیان را به حقانیت [illegible] خلیفه نخستین
اسلام ایمان آورده بعد تصدیق [illegible] نمودند. علمای ماوراءالنهر هم اشخاصی را
که برخلاف ایرانیان تبرا [illegible] کنند کافر شناخته و فروع مذهب جعفری را
موافق اسلام دانسته اعلام کردند. (١)

نادر و زنان او مبالغ کثیر برای تزئین و تذهیب عتبات عالیات
و مزار ابوحنیفه خرج کردند. نادر از راه [illegible] و جوانب بغداد و حلب [illegible]
بخاک ایران بازگردید. [illegible] که [illegible] بود چندان از
دختران دیگر پادشاه [illegible] کرد [illegible] خروج از عراق
فرح [illegible] کوکب [illegible] دارید [illegible] را [illegible] است با چند
نقطه دیگر [illegible] پس میماند.

شورش در شروان

از جمله اسباب حرکت سریع نادر از عراق و حرکت او [illegible] ایران بود
در موصل شنید که در شروان شخصی سام نام که خود را پسر شاه سلطان حسین میخواند
علم طغیان برداشته و بسیاری [illegible] (١) بدور او جمع شده است. [illegible] ابراهیم میرزا را
برای رفع فتنه امان گماشت. شورشیان در نزدیکی [illegible] در ذیقعده (٢٠ دسامبر ١٧٤٣)

(١) در این سنه تاریخ [illegible] معلوم میشود که [illegible] مذهب جعفری را
تصدیق کرده است ؟!

مغلوب شده و دسته آق کور بعد از آن به دست ایرانیان افتاد و سالم به موقع سبزوار گردید.

فتنه در فارس

شورش فارس نیز هم از انقلاب داغستان بود. تقی خان بیگلربیگی و سردار کلبعلی خان [illegible] در این وقت در ۴۰ [illegible] جنوب خلیج فارس بودند. نادر ~~[illegible]~~ افغانها را کلبعلی [illegible] سردار دیگر به یاری آنان گماشته. اما تقی خان کلبعلی خان را کشته و داعیه استقلال [illegible] خودسری داشت (۱) و با جانشینی خود [illegible] کرد لیکن [illegible](۱) که در روسیه سفیر بود به وسیله کشتی [illegible] و به [illegible] ایران رسید. تقی خان از شیراز فرار کرد. تقی خان مردی [illegible] بود و در سایه حمایت نادر به مقامات عالی رسیده بود [illegible] از [illegible] پرورده [illegible] و تا آخر [illegible] این امیر دستگیر و با فرمان نادر خصی شد. (۲)

شورش قاجاریه

نادر روز ۱۵ ذیحجه (۲۴ ژانویه ۱۷۴۴) از تهران حرکت کرد و چون به اینجا رسید شنید که طایفه قاجار ~~[illegible]~~ بر پسر حاکم استرآباد شوریده و با ترکمانان بیعت بسته‌اند (۱) حاکم استرآباد قاجاریه را تنبیه سخت کرد ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ در راه افراط سرد (۳)

در خوارزم نیز آتش فساد شعله‌ور بود و نادر برادرزاده خود علیقلی خان را به رتبه سپهسالاری و اختیار تام به آن سامان فرستاد.

خروج صفی میرزای مجعول در فارس

نادرشاه عید نوروز ۱۱۵۷ (۱۷۴۴) را در [illegible] گذرانید در اینجا خبر رسید [illegible] عثمانیان [illegible] که احمد پاشا حاکم [illegible] حاکم فارس از جانب صفی میرزا ~~[illegible]~~ مدعی سلطنت ایران افغانها در آذربایجان [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] نادر در [illegible] احمد پاشا [illegible] [illegible] وزیر سابق عثمانی [illegible] فارس [illegible] [illegible] داد که شروع به [illegible] [illegible] اما [illegible] از شرایط صلح [illegible]

---

(۱) سردار کلبعلی خان [illegible] پسر عمو(؟) جد نادران [illegible] نادرشاه بود. دختر بزرگ او مادر رضاقلی میرزا بود که در ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۱۳۱ (۱۵ آوریل ۱۷۱۹) تولد یافت و از دختر دیگرش نصرالله میرزا (۱) قلی میرزا متولد شده‌اند.

(۲) میرزا مهدی خان در این وقایع تفصیلی [illegible] است در خصوص [illegible] در خلیج فارس [illegible] [illegible]

سر پرسی سایکس - تاریخ ایران جلد دوم ص ۱۴۰ - ۱۴۶ - ۱۷۶ و نادرشاه ص ۱۷۵ و ص ۱۹۳

(۱) [illegible] خروج [illegible] ۱۷ [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] ص ۱۹۱ [illegible]

[illegible] تا تیر(؟) [illegible] ادرار [illegible]

به اطلاع او [رسید]. نادر مجبور شد نقشهٔ خود را تغییر داده، عازم قارص شود. در راه باو خبر

داده شد که مردم گرجستان بر عثمانیان غلبه [illegible] و در ۲۲ ذیقعده ۱۱۵۶ (۲۰ دسامبر)

گرجی‌ها در اخلکلک سام میرزا پسر [illegible] را دستگیر کرده‌اند. نادر یک چشم

او را از کاسه بیرون آورده [داد] او را با تجار به قارص فرستاد تا چون صفی میرزا [illegible] ((

یوسف پاشا حاکم اخلتسیخه که با [illegible] نزد رؤسای داغستان رفته بود

در محل گوری بدست گرجی‌ها مغلوب شد و نادر به پاداش این خدمات طهمورث شاه

را والی کارتلی و پسرش ایراکلی را والی کاختی کرد

در عبارت این [illegible] را چنین تصحیح باید کرد: کارتیل اراکلی (مترجم)

[illegible]

نادر در ۱۹ جمادی‌الثانیه ۱۱۵۷ (۳۰ ژوئیه) بظاهر قارص رسید. آنجا محاصره

طول کشید و چون سرما شروع شد نادر در ۲۰ رمضان (۹ اکتبر) دست

از محاصره برداشت و از راه اخلتسیخه و اخلکلک و گنجه به بردع [رفت]

در بردع کوچ ۴۰ از [illegible] نیز گذشته و در این موقع پادشاهی را از دست داده بود.

آخرین لشکرکشی بداغستان

در ۲۲ ذیقعده (۲۷ دسامبر) با وجود سرما نادر بعزم تنبیه داغستانیان راه افتاد

در ۶ ذیحجه (۱۰ ژانویه ۱۷۴۵) بدربند وارد [شد] ولی از دستبردهای سریع [illegible] بازگشت

بازگشت ۵ محرم ۱۱۵۸ (۷ فوریه)

نوروز ۱۱۵۸ (۱۷۴۵) را در آرش گذرانید و از آنجا [illegible] راند

از طریق [illegible] بکنار دریاچه گوکچه رسید (۱۲ جمادی‌الثانیه / ۱۲ ژوئیه) در این وقت

نادر سخت مریض بود و او را با تخت روان حرکت میدادند. [illegible] طبیب فرنگی

[illegible] باز این مرض او را بمقدمهٔ استسقاء تشخیص داد.

آخرین محاربه با عثمانی

مقارن این احوال از باب عالی لشکر گران بر عسکر یگن محمد پاشا صدراعظم سابق

بجانب ارزنة الروم و قارص گسیل شده بود و سپاه دیگر بسرداری عبدالله پاشا جبجی

و سلطان [illegible] خان [illegible] که از گریختگان ایرانی بود از راه [illegible] دیاربکر

در موصل [illegible]. نصرالله میرزا برادر [illegible] در جنوب ایران [illegible] آمادت

درشت بمقابله عبدالله پاشا بازگشت

(۱) ابراهیم خان وعده ابراهیم خان [illegible] معقول بود [illegible] وقت عروسی نادر [illegible] تزویج

نادر در گرگچه برای برگشتن از تعقیب میرزا و برادرزاده‌اش ابراهیم خان (۱) جشن عروسی برپا داشت

یکی را ایالت خراسان و دیگری را حکومت عراق عطا فرمود و روز ۵ رجب (۳ اوت)

بمقابله لشکر عثمانی راه افتاد لشکر عثمانی ۱۵۰۰۰ سوار و ۴۰۰۰ ینگیچری بسته میدان جنگ

موسوم ~~[illegible]~~ ۱۷۳۵ (یعنی مراد تپه نزدیک ایروان) ربپا بود. روز ۱۱ رجب

(۹ اوت) روز جنگ شروع شد و روابط لشکر عثمانی از قارص منقطع گشت سرعسکر عثمانی

بعد از جنگ ~~[illegible]~~ زنانه لشکر بندی و حفر خندق بدست آورد و نزدیک اردوی قارص

رسیده بود. در ۲۱ رجب از طرف میرزا خبر رسید که طلیعه سپاه عبدالله پاشا

از دستبرد سلیمان خان بابان شهرزوری از رسیدن افراد معذور و خودش ازاده

هم سپاه عثمانی را در حوالی موصل معطل کرده است. یگن محمد در بحبوحه اضطراب

عسکر خود غفلتاً وفات یافت و شکست عثمانیان نزدیک گشت ۱۲۰۰۰ نفر

از عثمانیان مقتول و ۵۰۰۰ نفر اسیر و تمام توپخانه ایشان ~~[illegible]~~ بدست سپاه ایران افتاد.

بعد از این فتح در خصوص تغییر احوال نادرشاه. بلکه غیر منتظر بود لیکن فتح را

سعی نمودن ثمره. و برای خرسندی کشور خود معاهدات جدیدی پیشنهاد کرد بنابر

قول مورخ درباری نادر پادشاه ایران نامه سلطان عثمانی نوشته در آن ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ سواد اول و دوم قرار داد سلطان صرف نظر کرد! اما منابع

ترکی بر حذف این ~~[illegible]~~ شهادت داده، ولی قرینه با نادرشاه.

از سلطان ~~[illegible]~~ واگذاری بلاد وان و کردستان و بغداد و بصره

و نجف و کربلا را تقاضا کرد و عثمانیان هم در صدد تسلیم آن نواحی بودند (۱)

نادرشاه از مراد تپه بجانب (نزدیک خوی) و از آنجا بمحمودان رفت

و در آنجا ایلچی پادشاه چنگیزی ختن را که نزد وی آمده بود (۲) این پادشاه که

خود را مالک رقاب توران بخوانند از نادر میخواست که افواج بر کوبا

امنیت سرحدی بفرستد. سال بعد سفیر نادر از راه بخارا بختن رفت (؟)

---

(۱) رجوع شود به کتاب هامر صفحه ۴۶

(۲) شاید یکی از اعقاب ~~[illegible]~~ شاهرخ خان فرغانه بوده که خود را از نسل چنگیز خان میخواند

در سال ۱۱۱۲ (۱۷۰۰) رجوع شود بکتاب طبقات سلاطین اسلام لین پول شماره ۱۱۲

شاید بجای ختن لفظ ختن صحیح باشد که صحیح آن خوقند است.

علیقلی میرزا هم با در خواندن شه بوده و از گنج تراکمه (حرکت و یاران انها) متمرد کرد ترکمانان باب ... گریختند. نادر ابن ابراهیم خان را با ... بگوید لطفعلی میرزا را با ترابا فرستاد

و تراکمه را مجبور کرد که ۱۰۰۰ سوار در خدمت او روانه کنند

نادر شیراز را به فراه ... در ۴ ذیحجه (۲۸ دسامبر) باصفهان رسید و تا ۴ محرم

۱۱۵۹ (۳ ژانویه ۱۷۴۶) در آن جا توقف کرد رفتار او رفته رفته غریب تر

شد پس از ... در مدت اقامت پادشاه در پایتخت ... باقی

ایران که ... ظلم و بیرحمی ... بوده و ارتکاب ... فساد ... نادر از

راه بیابان و طبس در ۲۴ صفر (۱۷ ...) وارد مشهد شد.

مصالحه با عثمانی

نادر جشن نوروز ۱۱۵۹ (۱۷۴۶) را در مشهد برگزار کرد و ۲۵ ربیع الاول

(۱۷ آوریل) برای بازدید ساختمانهای مهم کلات رفت و از آنجا بطرف عراق

عطف عنان کرد در ۱۰ محرم ۱۱۶۰ (۲۲ ژانویه ۱۷۴۷) از اصفهان لطفعلی خان

شاملو را با مورخ معروف میرزا مهدی خان ... در مقدمه صلحنامه نادرشاه

~~...~~ که خلیفه ... (اهل سنت و شیعه دودمان ترکمان)

~~... ترکمان~~ از مادۀ مذهبی سابق الذکر صرف نظر کرد. در عوض تقاضا

نمود. بعد ... یکی از ... پادشاهان ترکمان (تیمور؟ اوزون حسن؟)

تعلق داشته و شاه اسمعیل آنها را از دست داده بعد مجدداً بایران بازگردد با وجود

این در متن قرار داد صلح همان سرحدات عهد سلطان مراد چهارم برقرار گردید و بعد سایر

مواد عهدنامه در مربوط بحجاج زوار و تعیین نمایندگان سیاسی و مبادله اسرا بود. (۱)

علی ای حال بعد از آن به لشکر کشی و نبردهای ... نادرشاه اصول ...

عثمانیان را مجبور و ترک ... داشت !

روز ... محرم نادر نیز از اصفهان خارج شد و در ... کلات ...

(۱) بنا بر قول هامر (فصل ۶۸) عهدنامه را ایلچیان ترک ... در ... سپتامبر ۱۷۴۶ در ایران امضا کرد. بعد باب عالی حتی بعد از مرگ نادر هم ... این عهدنامه را محترم بشناسد (فصل ۶۹ کتاب هامر) خلاصه ... در جنوب ... منطبق با سرحد ... بود ... تقسیمات ... که ... تعلق است.

بعد از فرزند ۱۱۶۰ (۱۷۴۷) که در فارغ شهر کرمان جشن گرفته شد نادر چنین
سفر خود را بجانب خراسان پیش گرفت شاهزادگان که کینه او را در دل داشتند بلکه بازرفتند (۱)
ورود نادر در مشهد بعد از کشتن و هلاک شدن دیگران [illegible] (میرزا مهدی خان)

تغییر احوال و اخلاق نادر

میرزا مهدی خان در اواخر بعض تاریخ خود که ظاهراً بعد از نادر تحریر شده است علی الخطاط
حالت نادر را ذکر میکند البته این تغییر حال او را از تاریخ سوء قصد دانسته و در این جا
نخستین بار از کور کردن چشم [illegible] شاهزاده سخن رانده و آنرا منسوب با بستگی و سادس
وتهمات » میداند و می نویسد فتنه تقی خان در فارس نقشه زشتی نادر را
با بعد سوال بر هم زد و [illegible] شورش شیروانیان و شاه داریه و افراط عمال از هایی به
دیگر آمد سوء تغییر نقشه او گردید . وی از آن احوال نادر که از ظلم طبیعی » اقتاد
به میرزا مهدی خان شرحی از رواج تعدی و تقطار رعیت و ضبط اموال عالیه
خراج و خرابی مملکت ذکر میکند . بنابر آنچه اروپائی خوانده احوال عمومی ایران پیش
قبل از لشکرکشی بهندوستان شروع شده بود (۲) [illegible] عطایای کم را که اول بعید
از مراجعت هند کرده بودند موقوف مانده (۳) و اشیاء گرانبهائی که از او دیگر
با خود داشته قبل از وصول بپاره مطالب از آنها پس گرفته شد . از مردم ایران
مالیات های جدید گرفته بدون توجه [illegible] وضع کرده خراج سه ساله که وعده
داده بعد (اوتر) میرزا مهدی خان راجع با فکار شیعیان نسبت بتمایل
سیاست «ملا فر اسانی» نادر شاه بمذهب تسنن هیچ خاموش است . آیا
آیا [illegible] درخت دولت ساله صفویان را که بود با بیچارگانی که با مطیع
سر سواری حالا رشید از ریشه برکنده ؟

---

(۱) بازین میگوید نادر بهر یک از شاهزادگان لفقیت تخت نشستن کرد و خود بیلاقات
از سلطنت کناره بگیرد ولی آنها از [illegible] اضطراب و دوستی جواب منفی دادند
(۲) خانیکوف روسی هانوی جلد اول ص ۲۴ اوتر جلد اول ۲۲۴ : « ملکی بودکه
شخص فقیر [illegible] مردم بیچاره را دیگر تاثر نشد شهر و صفحات ... تقریباً خالی گشته بود »
رجوع شود همچنین بجلد ثانی صفحات ۵ ۳۲ ۱۶۴
(۳) اوتر جلد ثانی ص ۸۶

شورش سیستان

مخالفت مردم سیستان با بیدادگری را شدت داد علت طغیان توقعات مأمورین نادر بود
که روزانه ۵۰۰۰۰ تومان طلب می‌کردند علیقلی میرزا برادرزاده نادر حاکم سیستان
بود سررشته شورشیان شد طهماسب خان جلایر سردار نادر که یکی از ارکان وفادار
سلطنت نادری بود برای دفع شورش مأمور گشت ولی از او هم مبلغ ۲۵۰۰۰۰ تومان
خواستند طهماسب خان چون [illegible] از نادر ناامید شد او هم تسلیم گردید و یکی از اولاد
او را بپادشاهی و [illegible] علیقلی میرزا را بسبب همدستی بدارد آنان [illegible] با جامه ملکی
فوق دادند. حاکم سیستان نیز تا آنجا موافقت کرد که علیقلی او را زهر داد. علیقلی
[illegible] سلطنت اعلان شد در خراسان هم شورش برخاست کردهای خبوشان ایلخی
نادری را در خبوشان غارت کردند نادر خبر کوب آنان [illegible] بروی تاخت و
در ۲ جمادی الثانیه ۱۱۶۰ (۲۰ [illegible] ژوئن ۱۱۴۷) خیمه خوابگاه او را
در فتح آباد نزدیک خبوشان برافراشتند.

قتل نادر

بتحریک علیقلی میرزا و بهمدستی صالح خان رئیس قراولان محمد چند تن از امرای قاجار و افشار
باتفاق همه کشیکچیان سراپرده نادری در خیمه او داخل شده او را کشتند.
اضطراب و هرج و مرج اردوی نادری را وصف نمی‌کنم (۱) افغانهای ابدالی داوطلبان
که بنادر وفادار بودند بقیادت احمدخان ابدالی (۲) نعش را مدفون
کرده بجانب قندهار رهسپار شدند. افشاریه علیقلی میرزا را از هرات خوانده
و بنام علیشاه ولقب عادلشاه. بسلطنت نشاندند تمام پسران نادر [illegible] بهلاکت رسیدند فقط
نوه او شاهرخ که ۱۴ ساله داشت موقتاً در مشهد محبوس گشت. (۳)
خزاینه که نادر نهاده بود بزودی بر باد رفت مملکت که از فتوحات [illegible]
لیاقت ناتوان گشته بود در فشار بحران اقتصادی فتح نمی‌توانست تجاوزات دینی
نادر [illegible] با تیز باختر ولی مرز و بوم ایران از دشمن رهائی یافت
از آن وقت تا حال خاک ایران از سمت شمال و شرق و جنوب شرقی و دیگر جانب
نهاده است لکن ایران با سرحدات کنونی هم باقی نمی‌ماند اگر نادرشاه [illegible] نبود!

---

(۱) ب [illegible] شرح شاه و تاریخ ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۱۱۴۷ بهمن است
(۲) بعد مؤسس سلسله درانی افغانستان شد
(۳) [illegible]

۴۳

نادر شاه

در باب سعی نادر برای توفیق مذاهب اصول رجوع شود بکتاب
الحجج القطعیه لاتفاق الفرق الاسلامیه تالیف عبدالله بن حسین
سویدی که اصلا بغدادی و از علما و اهل تسنن است و کتاب جزو
۹۰ در قاهره بسال ۱۳۲۶ منتشر شده است. در این کتاب شرح از
مقاولات علمای سنی و شیعه در دارالامارة نجف (۲۴ شوال ۱۱۵۶ / ۱۲ دسامبر ۱۷۴۳)
مندرج است. این کتاب را پروفسور آ. ا. شمیت در یک مقاله
مورد تجزیه قرار داده است iz istorii sunnitsko chiitskikh otnochenii
در Festschrift بارتولد (عقد الجمان) تاشکند ۱۹۲۷
صفحات ۶۹-۱۰۴ (رجوع شود بمقاله Ritter مندرجه در
(Der Islam, XV, 1926, I, P106)
مکتوبه طاهره وحید آل عبدالله و مناظرات شیخ ابراهیم اسمعیل...
در باب اتفاق شیعه و سنی در مجله ارمغان طهران ۱۳۰۸
اکتبر ۱۹۲۹ نمره ۷ ص ۲۵۴-۴۲۹ طبع گردیده

نکته قابل ملاحظه این است که نادر شاه در [illegible] تنوعی که
از [illegible] در ثبت در جهت عین شاه و سیس الملک ریکرده است
به تنوع آباء و اجداد خود منتسب میشده است سنجاق
ولی نادر شاه بر سر تیموری و ترکمانها را در مقابل قزلباش میخواند
نامی برد. نادر کلاهی برای سربازان خود اختراع کرده
با کلاه صفویه که از زمان شاه حیدر پسر شاه اسمعیل اول معمول بود اختلاف کلی
داشت رجوع شود به اثر Olearius جلد اول ص ۴۰ گزارده
در کلاهی چهار گوشه که نادر آن را شال بسر میپیچید
بعضی رجوع شود بکتاب ابراهیم در کرت (۱) آقا
نادر از ابتدای صحبت [illegible] با صفویه موافق بود و در تعظیم و تجلیل
امام رضا علیه السلام بسیار میکوشید وچون شاه طهماسب
ثانی از ادارت عربهای را بنا کرد نادر سکه بنام
حضرت رضا زد (مرزا مهدی خان) همچنین توجه کرد
[illegible] شیخ جوادی و نذورات نادر در بقاع
متبرکه عراق.

(۱) تصحیح را دو ارائه این رساله است منطقه فرانسه از لندن کتاب
خطی تران تیپ برداشته شد به ص [illegible] رجوع شود.

Abraham de Crète

Abraham de Crète

(... ص ۲۵۲)
خود در زمان ورش نذورات
تقدیم کرده در شیراز بار
... باعجله دعای میکرد در بازار شکوهات
... بنا گذاشته که راه
ده هزار حبی صفحه ۴۱۸
آن است در آن باید ...
جاده در حوالی دل ... خواه
به کتاب مرکز آسیا
جلد ۵ ص ۷۴۸

... بنای مناری کمن سرای ...
... جلوس چنین بنا ۵

اوتر و فریزر و فرانسوی و عبدالکریم کشمیری علت اصرار نادرشاه را
بتوجیه و توفیق مذاهب اسلام لزوم جهانگشایی در ... پادشاه، با ... مجالس.
خصومت مذهبی میدانست. وی حمله عثمانی را باز کند
سوره حدید و ... آیه ۲۱ قرآن مجید نادر را ... دینی
علمای یهود ترجمه کرده بود (کتاب عبدالکریم ترجمه گلادوین ص ۸۹
ترجمه لانگلز ص ۸۸) نادر فرمان داد ... تورات
و انجیل را تحت مراقبت میرزا مهدی خان ترجمه کرد. ———

(Otter II 183, Hanway IV 216-9)

در باب نسخ این ترجمه رجوع کنید به ... مجله ... تحت عنوان نسخ خطی
کتابخانه ... نوشته ... عدد اول ص ۶ نمره ۷ . ...
روسی دراین کالوچکین[1] گوید در ۲۸ مه ۱۷۴۱ نادر (1) Kalouchkin
نمایندگان مذاهب مختلفه را دعوت کرد و بانها اظهار کرد:
ه اگر خدا یکی است ادیان ... باشد) کتاب سولویف
Solowiew ... ص ۵-۱۰۲

نادر ... سخت‌گیر بود ... (ص ۱۸۱)
... (نادرشاه) اظهار ... و محبت ...
اگر ... از ... دارد ... ادامه ... سال
... و عاقبت آن ... در ... دامن شده
قول بازن ژزوئیت (ص ۲۱۳-۲۱۶) خالی از ... نیست
و نادر ... ... کرده ... فقط ... ۱۵۱
دارد و ... خود را ... محمد ... "
تبصره — استدلال نادر ببقاء آباء خود کرده و ... طرق
از بدعت ... شاه ... الله را ... است ...
و ... که ... جزء ... شاه ...
و از آن‌جا سکه سلطنت ... است

٤٠

ضمیمه دوم

~~صفحه~~ ابنیه نادر

در متن نیز رساله از شهرهای جدیدی که نادرشاه در نزدیکی شاخ دقه آر

و در صحن رانده ام و به بنای خیوه آباد (نزدیک ابیورد) اشاره کرده ام بنا بر

قول اوتر Otter (جلد اول ص ۲۰۳) نادر از هندوستان استادان و صنعتگران

چینی آورده بود که در نزدیکی همدان شهری شبیه دهلی برآورند

در دستگرد بنائی بیادگار تولد خود ساخت و آن را مولودگاه نام کرد

در کلات نادری خزانه بنا نهاد (رجوع شود بتصویر آن در تاریخ ایران سایکس جلد ۲

ص ۲۶۴) و در مشهد بقعه مدفن خود را ساخت (عالم آرا ص ۲۵۲)

نادر مساعی جمیله در تزئین آستانه رضوی را بکار برد خود و زنان و پسرش نذورات

بسیار و هدایای بیشمار برای تزئین عتبات عالیات عراق تقدیم کردند در شیراز بنام

نادر بنای شاه چراغ را مرمت نمودند

در قزوین که تالاری بعبرت ایوان در یکی از باغها دیده شود که بنای نادر است

در بین کرمان و سیستان میلهائی بر نادر در صحرای کویر بیادگار گذاشته که راه

بیابان را نشان میدهد رجوع شود بسفرنامه سایکس موسوم به ده هزار میل صفحه ۴۱۸

عکس یکی از میلها که ۵۵ پا ارتفاع و ۴۴ پا محیط آن است در آن کتاب درج شده

در راه وزیرستان جنوب غزنین سه چاه در حوالی وانخواه

Wankhwah بنادر منسوب است رجوع شود به کتاب مرکز آسیا

تألیف ماک گرگور Mac Gregor سال ۱۸۷۱ جلد ۱) ص ۷۴۸

---

(۱) میرزا مهدی خان در وقایع سال ۱۱۴۹ / ۱۷۳۶ از بنای [illegible] سخن میراند

عالم آرا در صفحه ۲۵۲ تا ۲۵۳ سخن گوید نادرشاه پس از جلوس چنین نشان

از خشت زرین برآورد

ضمیمه چهارم

تاریخ محمد کاظم

در مقاله بارتلد (در Izv. Ross. Akad. Nauk 1919 P. 927-30)
که درستی کتاب های دیگر اکره این مطالب ذیل راجع بکتاب محمد کاظم منتشر گردیده
آن کتاب را که نادرنامه یا تاریخ نادر دانسته در دو جلد نسخه منحصر بفرد موزه آسیائی
قید بوده از نظر درست می آید و اسم اصلی آن ... باشد
مؤلف این تاریخ وقایع ... از وقت جوانی ... مطالعه ... عهده ... داشته
... را ... از سفر ... وقتی ... ترکمان ... در کتاب
آورده است ... چند ... در اردوی ... ابراهیم خان بود
در ... سال ۱۷۴۸ تقریباً ... وزیر دار الملک مرو شاهجهان
در تاریخ او مطالب ... راجع بمرو مسطور است ... بار مرو صغیر بار
نادرشاه در ... میرآباد محمد کاظم در لشکرکشی ... خوانین بخارا با نادر همراه بود
و او ... شرح وقایع آسیای مرکزی اشاره ... بخوارزم ... زمستان و ...
... در باب ... شیطان ... (از دیدگاه مرو!)
... ازاین سادات است
در مرو محمد کاظم مأمور تفتیش ... بود و در این باب تکفّل اخباری
نادرشاه ... از ... نوشتن نامه ها (پیغام های سیاسی) بود مشغول بوده است
از ۷۰ نامه ... ولایات و ملوک ترکستان نوشته ۳۰ نامه از
زیر خامه او خارج شده است
در ضمن وقایع عجیبه دوران کتاب است یکی ذکر ورود ایلچی ((اصل فرنگ))
است که بعقیده بارتلد مقصود فرانوای ... ایلچی است لیکن ...
ازراه حاجی طرخان آمده ... ایلچیه آق بانو پادشاه . ملکه روسیه
هم با او ملحق شد (مراد l'Impératrice Elisabeth de Russie) است
آنکتاب را پسر محمد کاظم تمام کرده است که بعد از فوت نادر
شاه عقب نشینی ایرانیان از ترکستان بوده است
تاکنون تاریخ فقط ... از مستشرقین بکتاب محمد کاظم دست یافته اند
یکی پروفسور بارتلد (Zap. Vost. Otdel)
دیگر پروفسور آ. ا. اشمیت Pr. A. E. Schmidt